# مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال اول، شمارهٔ ۱۴۳
سه‌شنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال


# «وتو»ی اتحاد شوروی
## تلاشهای امپریالیسم آمریکا را برای محاصره اقتصادی ایران باشکست مواجه ساخت

**درجلسه شورای امنیت سازمان‌ملل متحد، قطعنامه پیشنهادی دولت آمریکادر مورد محاصره اقتصادی ایران، که‌درهفته گذشته مطرح‌شده‌بود، به‌رای‌گذارده شد. از اعضای دائمی و مسوولت این شورا، نمایندگان ۱۰ کشور به این قطعنامه رای موافق و بنگلادش و مکزیک رای ممتنع دادند. نماینده چین در اخذ آراء شرکت نکرد. نماینده جمهوری دمکراتیک آلمان به‌قطعنامه پیشنهادی آمریکا رای‌مخالف داد. نماینده اتحاد شوروی‌این‌قطعنامه را وتوکرد.**

وتوی اتحادشوروی، بمثابه عضودائمی‌شورای امنیت سازمان ملل‌متحد، مانع تصویب این قطعنامه گردید و آنرا ردکرد و بدین‌ترتیب همه تلاشهای

بقیه در صفحه ۲

# خواستهای کارگران وبی‌توجهی مسئولین امر

**در آستانه یکمین سال انقلاب، شرایط کار و زندگی‌طبقه کارگر نابسامان است. گرانی کمرشکن، قلت دستمزد، فقدان مسکن، بی‌توجهی به‌پاکسازی، وجود جماعتی از مدیران طاغوتی در راس کارخانه‌ها، کارشکنی این عده در تامین مواد اولیه وخام و در نتیجه افزودن بر شمار بیکاران، ممانعت از تشکل صنفی کارگران و ایجاد انجمنهای صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها)، همه و همه دست بدست هم داده‌اند و کارگران را ناراضی میسازند. این نارضایتی زمینه‌ای است که در شرایط مشخص کنونی، هم ضدانقلاب از آن سوءاستفاده میکند و برخی ناراضی‌ها را بدنبال میکشد و هم عناصر چپ‌رو و چپ‌نما، که بنا به‌دریافتهای غلط‌خود از مرحله انقلاب، نمیخواهند انقلاب مردمی تثبیت گردد و لذا با تمام نیرو به ایجاد هرج‌ومرج مشغولند تا بخیال خود مانع از تثبیت وضع شوند.**

**حزب توده ایران بارها و بارها توجه مسئولین امر را به خواستهای منطقی طبقه کارگر جلب کرده است، تا با قبول‌مطالبات مشروع کارگران، زمینه فعالیت ضدانقلاب و عناصر چپ‌رو و چپ‌نما درمیان کارگران ناراضی از میان برداشته‌شود و امر افزایش تولید صنعتی، که خواست امام‌خمینی و همه انقلابیون راستین است، تحقق پذیر گردد.**

**متاسفانه این هشدار حزب ما تاکنون بازتاب مثبتی نداشته است. راستی مگر کارگران چه‌میخواهند؟**

**کارگران میخواهند دولت جلوی این گرانی وحشتناک را، که بهای اقلام مورد نیاز مردم، روزبروز و هفته به هفته و ماه به ماه افزایش می‌یابد، باتنظیم‌و اجرای یک‌برنامه صحیح سد کند، تا کارگران قادر به تامین حداقل معاش خانواده خود باشند.**

**کارگران میخواهند که دولت از اجحاف کارفرمایان در مورد پرداخت حداقل دستمزد، حق خواربار، حق مسکن و حق‌اولاد جلوگیری کند و ترتیبی دهد تا این‌اقدام‌را، که در واقع بخشی‌از دستمزد واقعی کارگران است، یک‌کاسه به‌آنها پرداخت شود، تا کارفرمایان به‌میل‌خود آنرا کم‌و زیاد و پس‌و پیش نکنند و اهرم اعمال فشار اقتصادی بر کارگر قرار ندهند.**

**کارگران میخواهند که به‌مسئله تامین مسکن این طبقه محروم توجه جدی مبذول گردد، زیرا تصمیماتی که نهادهای‌مختلف دولتی و غیردولتی تاکنون درمورد حل مسئله‌مسکن اتخاذ کرده‌اند، هیچکدام مفید بحال طبقه کارگر نیست، زیرا کارگران نه قادر به اخذ وام‌بانکی و ساختمان خانه برای خود هستند و نه میتوانند اجاره‌بهای خانه‌هائی را پرداخت کنند که از طاغوتیان بجا مانده است. برای تامین مسکن طبقه‌کارگر، از یکسو دولت خود باید خانه‌سازی کند و از سوی‌دیگر کارفرمایان خصوصی رابه‌ساختن خانه‌های سازمانی برای کارگران موسسه تولیدی خود مجبور سازد، درغیراینصورت مشکل مسکن‌کارگران لاینحل باقی‌خواهد ماند، همچنان که تاکنون باقی مانده است.**

**کارگران خواستار پاکسازی مدیریت کارخانه‌ها و برکناری عوامل طاغوتی و ضدانقلاب ساواکی هستند، تا این عناصر مخرب نتوانند امپریالیسم امریکا را در اعمال فشار اقتصادی به کشور ما یاری دهند و با احتکار مواد اولیه، سرباززدن از تهیه قطعات و ابزار یدکی، دریافت حقوقهای ۳۰ـ۴۰ هزار تومانی و اشکالتراشی درمورد تشکل صنفی کارگران، بر مشکلات بیفزایند.**

**کارگران میخواهند که برمناسبات میان کارگر و کارفرما ضوابط عادلانه‌ای حاکم گردد و با تدوین قانون کار جدیدی با شرکت نمایندگان منتخب کارگران، به‌سلطه قوانین ضد کارگری رژیم شاه مخلوع پایان داده شود.**

**اما بی‌توجهی پیگیر مقامات مسئول به این خواستهای‌منطقی موجب شده است که ضدانقلاب عرصه تبلیغ یابد و اینجا و آنجا کارگران را به تحصن و اعتصاب و کم‌کاری تشویق کند. نمی‌توان منکر شد که درمواردی کارد چنان به‌استخوان میرسد که برخی از کارگران، تنها راه برای جلب توجه دولت بخواستهای خود را، اعتصاب و تحصن تشخیص میدهند، که البته در شرایط حساس کنونی نمیتوان همه‌جا، با آن موافقت داشت.**

**دعوت حزب‌توده ایران از کارگران به بالابردن میزان‌تولید، باتوجه به وضع حساس‌کشور و ضرورت شرکت فعال کارگران در سازندگی، در میان پیشاهنگ آگاه، بازتاب مثبتی یافت و موجب شد که طبقه کارگر با هوشیاری انقلابی خود، به‌خطیر بودن‌وضع و اهمیت‌وظایف‌خود توجه‌کند. کارگران‌بسیاری‌از کارخانه‌ها با عدم شرکت در اعتصابها و یا جلوگیری‌از اعتصاب و تحصن در محل کار خود، نشان دادند که خواستار اعتصاب و تحصن نیستند،بلکه این بی‌توجهی دولت به‌مطالبات کارگری و تحریک و کارشکنی کارفرمایان است که اینجا و آنجا کارگران را، علیرغم تمایل خود، به‌اعتصاب و تحصن کشیده است.**

**در سمینار اقتصادی که اخیرا درتهران برگزار شد، تعداد بیکاران درسراسر کشور میان ۲٫۵ تا ٤ میلیون‌نفر گفته شده است. اکثریت ارتش بیکاران را کارگران‌تشکیل میدهند که به علت تعطیل تمامی و یا بخشی از این یا آن‌کارخانه، از کار اخراج شده و به خیابانها ریخته شده‌اند. این توده انبوه، که‌جز بازوی کار خود سرمایه‌ای ندارند، در این وادی بیکاری و گرانی و بی‌پولی راستی چگونه باید امرارمعاش‌کنند و از چه راه شکم فرزندان گرسنه خود را سیر سازند؟ چگونه است که هنوز جز برنامه‌های کوتاه مدت، محلی، جنبی و گروهی، هیچ برنامه‌جامع و مدونی برای مبارزه با بیکاری ارائه نشده است و این عرصه بدرافشانی ضدانقلاب دست‌نخورده باقی مانده است؟**

**ما توجه دولت و شورای انقلاب را بار دیگر به شرایط‌وخیم کار و زندگی طبقه کارگر جلب میکنیم.دولت با احساس مسئولیت نسبت به‌وضع خطیر کشور باید به مطالبات کارگران، این مدافعان راستین انقلاب، توجه کند و آنرا تحقق بخشد.**

## اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان ( سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان )

# ضدانقلاب ضربه‌خورده را بایدریشه‌کن کرد

### مردم غیور آذربایجان!

انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی وضددیکتاتوری خلقهای قهرمان ایران دراولین مرحله، پس‌از درهم شکستن مواضع ضدانقلاب آشکار وتدفین نظام‌منحوس سلطنتی، گام‌درمرحلهٔ دوم خود نهادکه **امام‌خمینی آنرا «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول»** ارزیابی‌کردواز کلیهٔ نیروهای مبارز ومترقی‌خواست‌که تمام‌نیروی خودرا علیه امریکای جنایتکار متمرکز نمایند. این‌حرکت و اوج نوین درمبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران، مواضع امپریالیسم امریکا رابه شدت متزلزل وطرفداران آشکار و نهان آنرا، از باقیمانده‌های سازمان جهنمی ساواک گرفته تاسرمایه‌داران بزرگ وابسته‌ومداحان نوکرصفت‌امپریالیسم به‌هراس مرگبار دچارساخته است. لذاضدانقلاب‌باتمام قواسیج شده‌تاسمت این‌حرکت خلقی را منحرف وآن‌را ازرهبری قاطعانهٔ امام‌خمینی جداسازد.

این‌حرکت ضدانقلاب درآذربایجان باتوطئه‌ها واغتشاشات خائنانهٔ باصطلاح حزب خلق‌مسلمان به‌منتهٔ ظهور رسید. حملهٔ چماقداران واوباشان‌این «حزب» به‌رادیوو‌تلویزیون‌وحادثه‌آفرینی درشهرهای قم‌وتبریز عملی‌بودمذبوحانه، که‌درآن‌دست‌سرمایه‌داران بزرگ‌وابسته وباقی‌مانده‌های ساواک وگروهکهای مائوئیستی آشکار گردید.

برای مقابله بااین ضدانقلابیون، دراعلامیهٔ ۱۵دی۱۳۵۸ کمیته مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ــ سازمان حزب تودهٔ ایران درآذربایجان ــ آمده‌است:

«برای خنثی ساختن توطئه‌های ضدانقلاب بایستی تمام نیروهای انقلابی راستین مدافع خط‌امام دست دردست ودوش‌بدوش هم‌حرکت نمایند. بگذار یکی بودن حرف وعمل تمام نیروهای راستین انقلابی، به‌ضدانقلابی‌که درصدد این‌توطئه جدیدی است، جواب دانداندشکنی بدهد.»

این توطئه جدید، حوادث روزهای اربعین وبعداز آن در شهرتبریز بودکه طی‌آن بیش‌از ۵۰ بانک به‌آتش‌کشیده شد وبه زخمی شدن دهها تن منجرگردید.

ولی سرانجام عمل قاطعانه وجانبازانهٔ پاسداران انقلاب اسلامی واشغال لانهٔ فساد «حزب‌خلق‌مسلمان» وبرخی ازکمیته‌های وابسته به‌این «حزب»،ضربهٔ مهلک به‌ضدانقلاب درتبریزوارد‌آورد واعدام یازده‌تن از اوباشان این «حزب» توسط دادگاه انقلاب تبریز، فصل‌نوینی درپیکار علیه ضدانقلاب درشهرمان‌گشود.

کمیته مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ــ سازمان حزب تودهٔ ایران درآذربایجان‌ــضمن محکوم ساختن تمام توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، ازاین عمل قاطعانه دادگاه انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی پشتیبانی میکند وخواستار است‌که به‌ضدانقلاب زخم خورده نباید فرصت تجدید قوا داد. وباید هرچه زودتر آنرا ریشه‌کن نمود.

**کمیته مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ـ**
**سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان**
۱۳۵۸/۱۰/۲۳

## آیا راست است:

● که در دانشگاه‌متحدین (دانشگاه فرح سابق) استادانی هستندکه علناً علیه جمهوری اسلامی وانقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران سخنرانی می‌کنند؟

● و آیا راست است که شخصی به نام حمید رضا عراقی، که در دوران طاغوت از طرف وابستگان فرح برای تدریس در دانشگاه متحدین از آمریکا به ایران دعوت شد، از دانشجویان خواسته است که به‌قانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران‌رأی‌ندهند؟

● و آیا راست است که این شخص، کسانی مانند سپروس نهاوندی مأمورساواک از رهبران گروهک‌مائوئیستی‌سازمان‌انقلابی وسید حسن نصر رئیس دفتر فرح را استادانی زبردست می‌خواند و درغم دوری آن‌ها مویه می‌کند؟!

● وآیا راست‌است که‌یکی دیگر از استادان این دانشگاه به نام «هوشنگ شامبیاتی در کلاس‌ها به‌توطئه‌چینی»علیه‌انقلاب ایران مشغول است؟

## لزوم پاکسازی ادارات تبریز

ادارات وسازمان‌های‌دولتی تبریز باید هرچه‌زودتر از وجود عوامل وابسته به رژیم گذشته پاکسازی شود.

براساس‌اطلاع‌رسیده، عوامل ساواک‌وابسته‌به‌رژیم‌منحوس‌پهلوی برای‌ناراضی‌تراشی وبدبین‌کردن مردم تبریز نسبت به انقلاب، در اداره‌های مختلف، مردم را سر می‌دوانند وبه‌کارهایشان رسیدگی نمی‌کنند. گفته می‌شودکه‌دراداره کار تبریز، که این‌عوامل درآن نفوذ وسیعی دارند، نحوه‌برخورد بامراجعین، که بیشتر از میان زحمتکشان این منطقه هستند، بگونه‌ای است که زمینه مساعدی برای‌بهره‌گیری ضدانقلاب‌فراهم می‌آورد. دراین اداره که وظیفه آن‌کاریابی برای زحمتکشان و رسیدگی به‌وضع‌کارگران است، مراجعین باید برای‌انجام هرکار کوچک‌چندین‌بار به‌مسئولین‌مراجعه کنند وعاقبت نیزکار آن‌ها انجام نمی‌شود.

یک‌خانم ۵۰ساله درگفتگو

بقیه در صفحه ۲

## تسلیت

«مردم» باکمال تأسف از درگذشت رفیق **محمدکریم کریمی** اطلاع‌یافت.

**رفیق‌محمدکریم** فرزند دهقان مبارز وعضوباسابقه حزب تودهٔ ایران،**مشهدی‌میرزامحمد کریمی‌بود**، که‌سالهای‌طولانی زجرزندان محمدرضاشاهی‌را تحمل‌کرد وپس‌از آزادی براثر شکنجه‌های زندان درگذشت.

مافوت عزیز ازدست رفته، آزادمردگلدسته، **رفیق محمد کریم‌کریمی** رابه‌خانواده‌کریمی و همه دهقانان مبارز گلدسته صمیمانه تسلیت میگوئیم.

سازمان حزبی مادرشهرری باتقدیم تاج‌گلی بخانواده‌مرحوم، ازخاطرهٔ اوتجلیل‌کرد.

شب‌هفت‌**محمدکریم کریمی** روزپنجشنبه ۵۸/۱۰/۲۷ از ساعت ۲تا۵بعدازظهر،درمسجد قریه‌گلدسته، واقع‌در جاده ساوه، کیلومتر ۱۴، برگزارمیشود.

## احسان طبری

### سرایش میهن

سایهٔ چینه‌های سکوت
و دود شن‌ها دونده بر لوت
زمان دیرنده، با شکوای میهوت!

. . . . . .

ای زادگاه خلق‌های هم‌سرود
بیشه‌های مه‌پوش
نخلستانهای غبارآلود:
درود بر خرد نهان در «شفا» و «اسفارت»
و عین‌القضات رقصنده بر دارت!

در پیش طلعت داد و خرد
سراپا عشق، سراپا دل بودی
و به هنگام زمانهٔ بد
یاغی بند گسل بودی
و اینک
از دنا تا سپهند
از ارس تا هیرمند
ای فراخنای میهن پیر من
ای کوخ بلوچ، ابهٔ ترکمن
کلبهٔ کرد، یورت آذری
ای سرای گرم برادری
هزاران سال چاکریت بس!

نمی‌خواهم
تیغ برده‌دار باشی
تاج زر نگار باشی
سزای طنبورت، این بار
نوای سپر است و کار.

می‌خواهم
تا کشتزارت سنبله بندد
ریحانت در بستان بخندد
مستمندت به کام
گستره‌ات پدرام
بازگشت نوینی به فروغ و فر
با رازی‌ها و سیناهای دیگر.

همهٔ عمر با دست تهی و پلک سوزان
دلی چون هیمهٔ فروزان
سرفرازیت را خواسته‌ام
از سپیده‌دمان جوانی
تا ایندم که فروکاسته‌ام

و هنوز
کمترین دشنامم از ناکسان پست:
«بی‌وطن!»
«بیگانه پرست!»

بی‌وطن نیستم ای شریران
وطنی هست مرا
نامش: ایران!

تهران ــ دیماه ۱۳۵۸

# خط امام، خط ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است
## مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رأی میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

# امپریالیسم آمریکا به بهانهٔ حفظ ایران از «خطر کمونیسم» میخواهد ایران را محاصره کند و زمینه را برای اقدام نظامی علیه ایران آماده سازد

انقلاب ایران و انقلاب افغانستان، هردو منافع امپریالیسم آمریکا را سخت به‌خطر انداخته‌اند. این‌واقعیتی‌است که هر روز با برجستگی بیشتری خود را نشان میدهد. امپریالیسم آمریکا و جبههٔ کشورهای امپریالیست و حکومتهای دست‌نشانده، بیکسان انقلاب ایران و دولت انقلابی افغانستان را مورد حمله قرار میدهند و علیه این دو انقلاب به‌تحریکات دست‌میزنند، به‌یکسان علیه‌آنها توطئه می‌کنند و به‌یکسان گروه‌های ضدانقلابی و خرابکاری را علیه ایندو انقلاب تجهیز می‌کنند.

اگر امپریالیسم آمریکاوقایع افغانستان را «مبارزه شورشیان مسلمان علیه رژیم ضداسلامی» توصیف میکند، در ایران نیز گروه‌های ضدانقلابی، «آزادیخواه» و انقلاب ایران، «دیکتاتوری نحلین» توصیف میشود.

هر روز آشکارتر میشود که مقابلهٔ انقلاب‌ایران‌و افغانستان، جز بنفع امپریالیسم امریکا و به‌زیان ایندو انقلاب نیست و تنها در اتحاد ایندو انقلاب است که بیشترین ضربات بر منافع‌غارت‌گرانهٔ امریالیسم امریکا وارد میشود و توطئه‌های امپریالیسم‌امریکا علیه هر دو انقلاب عقیم می‌ماند.

روش امپریالیسم آمریکا آنست که به بهانهٔ «دخالت‌نظامی شوروی» و وجود «خطر کمونیسم»، حکومتهای سازشکار منطقه را بترساند، حضور نظامی خود را در منطقه تقویت کند و زمینه را برای اقدام نظامی علیه انقلاب ایران و افغانستان آماده سازد.

امپریالیسم آمریکا، که منافع خود را خوب می‌شناسد و از آنجا که هم انقلاب ایران و هم دولت انقلابی افغانستان منافع او را به‌خطر نابودی کشانده‌اند، بین ایندو تفاوتی قائل نیست.

کارتر رئیس جمهوری امریکا، دیروز طی انتشار یك بیانیه شدیداللحن گفت:

**«آمریکا دست بهر اقدامی برای حفظ منافع خود در ایران و افغانستان خواهد زد. ما از منافع آمریکا با توسل بهرگونه اقدامی حفاظت خواهیم کرد... آمریکای خشمگین تاکنون در قبال تحولات گروگان‌گیری در ایران، و مداخلهٔ نظامی شوروی در افغانستان، از خود خویشتن‌داری و در همان‌حال قاطعیت نشان‌داده است. ما بحفاظت از منافع آمریکا ادامه خواهیم داد و در صورت امکان صلح را نیز حفظ خواهیم کرد.»**

کارتر افزود:

**«تجارت و بازرگانی عادی با شوروی قطع شده است تا نشان‌دهندهٔ محکومیت‌تروریسم و تجاوز نظامی‌علیه‌مردم‌بیگناه باشد.»**

ملاحظه می‌کنید!! امپریالیسم آمریکا زوزه‌کشان، انقلاب ایران و انقلاب افغانستان را توأما محکوم‌می‌کند، توأما «گروگان‌گیری در ایران و مداخلهٔ نظامی در افغانستان» را به باد حمله می‌گیرد، ایندو انقلاب را توأما «به‌هرگونه اقدامی» تهدید می‌کند (حتی به قیمت جنگ) و اذعان می‌کند که انقلاب‌های ایران و افغانستان توأما «منافع آمریکا» را به‌خطر انداخته‌اند. امپریالیسم آمریکا همچنین مبارزهٔ مردم ایران را «تروریسم» و مبارزهٔ مردم افغانستان را «تجاوز علیه مردم بیگناه» می‌نامد و آنها را در یك ردیف قرار میدهد.

زبان دشمن گاه از بسی زبانها گویاتر است. آری، اگر مبارزهٔ مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا را بتوان «تروریسم» نامید، مبارزهٔ مردم انقلابی‌افغانستان را هم می‌توان «تجاوز علیه‌مردم بیگناه» نام نهاد، و اگر امپریالیسم آمریکا را در ایران بتوان «مدافع حقوق‌بشر» خواند، در افغانستان نیز می‌توان وی را مدافع «مردم بیگناه» تلقی کرد.

اما این«مردم بیگناه» که کارتر،بادوی انحصارات امپریالیستی، از آنها نام می‌برد، کیستند؟

روزنامهٔ ضدکمونیست «فرانسوی، که بیانگر نظریات محافل بورژوائی فرانسه است، می‌نویسد:

«درمیان جنبش‌های شورشی که خودرا طرفدار اسلام‌میداند وپس‌از ۱۹۷۸ علیه‌رژیم‌کمونیستی قیام‌کرده‌اند وامپریالیسم‌شوروی رامحکوم میکنند میتوان ازگروههای زیر نام‌برد:

ـ مذهبیون محافظه‌کار،

ـ نمایندگان بورژوازی که‌توسط انقلاب از آنها سلب مالکیت‌شده،

ـ میانه‌روهای طرفدارغرب مانند افسران سابق، کارمندان وپادیپلماتهائی که‌درزمان رژیم سلطنتی ویامحمد داود خدمت میکرده‌اند.

اینان سعی دارندکه شورشها خصلت انقلاب بسبك خمینی را بخودنگیرد.»

(«لوموند»، ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹)

بیهوده‌نیست‌که امپریالیسم‌آمریکا اینقدر به «مسلمانان» افغانستان، علاقمند شده‌وآنهارا مردم بیگناه می‌نامد وبه‌یاریشان شتافته است!

اگرپوشش‌دعاوی‌عوامفریبانه‌امپریالیسم‌آمریکارایکناربزنیم، نیات‌واقعی این‌امپریالیسم‌خونخوار، که‌چیزی جزخفه‌کردن‌انقلاب ایران وانقلاب افغانستان نیست، آشکارمیشود. در واقع حمایت از «مردم‌بیگناه» افغانستان، تنهابهانه‌ایست که‌امپریالیسم آمریکاحلقهٔ محاصرهٔ خودرا علیه ایندو انقلاب تنگترسازد وبرای کسب دوبارهٔ منافع ازدست‌رفتهٔ وغارتگرانهٔ خود، تلاش ورزد. امپریالیسم‌امریکا بهیچوجه قصدخودرا از طرح «مساله افغانستان» پنهان‌نمیکند.

رادیوصدای‌آمریکادر ۲۱ دیماه اعلام‌کردکه:

«ایران. ازیکطرف باتفاق و ناآرامیهای گسترده داخلی مواجه است‌وازطرف‌دیگر باتهاجم‌نظامی‌روسیه شوروی‌به‌افغانستان، امنیتش مورد تهدید قرار گرفته است .. ایران بایدبادرنظرگرفتن منافع ملی خود به‌اوضاع بیاندیشد... اولین اقدام ایران در این زمینه باید حل بحران‌کنونی ناشی ازاشغال سفارت آمریکا در تهران باشد.»

کارتر نیزگفت:

**«تهدیدی‌که متوجه ایران‌است ازحضور قوای‌نظامی روسیه شوروی‌درافغانستان‌ناشی‌میشودونه‌ازجانب‌آمریکا(!)»،** وافزود، «اشغالگران سفارت آمریکا در تهران درقبال رفتار جنایتکارانه خود بهای‌گزافی خواهند پرداخت.»

جالبست بدانیم‌که این سخنان زمانی ایراد میشود که چند روز بعدازآن، آمریکا پیشنهاد محاصره اقتصادی ایران‌رابشورای امنیت می‌برد و تنها بواسطه «وتوی» اتحاد شوروی این پیشنهاد تصویب نمیشود!

امپریالیسم آمریکا بایکدست به افغانستان اشاره می‌کند تا افکار مردم ایران را به این متوجه سازد و بتواند با دست دیگر ازپشت به‌انقلاب ایران خنجر بزند.

امپریالیسم آمریکا، نیروهای نظامی خود را بدور ایران متمرکز می‌کند. قابوس، کاریکاتورشاه مخلوع‌درعمان، درمصاحبه‌ای با «لوموند» میگوید:

**«اگرشمارکشتی‌های جنگی عموسام‌که درآن حوالی (عمان) گردش می‌کنند، روبه افزایش آشکاراست، بعلت بحران ماجرای گروگانها در تهران است.»**

عراق‌دشمن‌توطئه‌گرانقلاب‌ایران‌نیزپایگاه‌نظامی‌دراختیار امپریالیسم آمریکا می‌گذارد.

الاهرام می‌نویسد:

«عراق‌اولین‌کشوری بودکه پس ازدخالت نظامی شوروی‌در افغانستان، تسهیلات نظامی به آمریکا پیشنهادکرد. عراق به این منظوربه آمریکا پیشنهاد پایگاه نظامی‌کرده است‌که این‌کشور بتواند حمله شوروی به افغانستان را جواب بدهد!»

مصر وعربستان‌سعودی نیزچندی قبل اعلام‌کرده بودندکه پایگاههای خودرا برای‌کمك به «مسلمانان» افغانستان در اختیار امپریالیسم‌آمریکا می‌گذارند.

قرارداد واگذاری پایگاههای نظامی بین امپریالیسم آمریکا باترکیه نیز سرانجام به‌امضا رسید وپاکستان‌نیزمدتهاست که پایگاه امپریالیسم‌آمریکا در توطئه‌علیه‌انقلاب‌ایران‌وافغانستان است .آری، «خطرکمونیسم»، خطر واهی ساخت امپریالیسم آمریکاست. خطرجدی و واقعی ازطرف‌دشمن درجه اول‌همهٔ‌خلقهای آزادیخواه‌جهان، ازجانب امپریالیسم‌آمریکاست‌که نه‌تنهامیخواهد ایران را محاصرهٔ اقتصادی‌کند، بلکه‌باایجاد حلقه‌ای ازکشورهای دست نشانده بدور ایران وتقویت نیروهای نظامیش در منطقه، در تلاش محاصره نظامی میهن‌ما نیزهست.

باید به‌این دشمن غدار پاسخ دندان‌شکن‌داد.اتحادخلقهای ایران وافغانستان علیه این دشمن مشترك چنین پاسخی است.

## لزوم پاکسازی...

بقیه ازصفحه ۱

باخبرنگار «مردم» درتبریزدر این‌مورد میگوید، «من۷دختر و یك‌پسردارم. پسر۱۸ سال داردو دریك مغازه آهنگری‌کارمیکند. اومجبور است‌از ساعت ۶صبح تا ۵بعدازظهر کارکند، درحالیکه مزداوفقط روزی۲۰ تومان است. او ازخانه‌تامحل‌کارش را پیاده طی‌می‌کند وشب‌هادرس میخواند. شوهرم رانندهبود که‌حدود۱ سال قبل تصادف‌کرد وازهمان موقع خانه‌نشین شده‌است. من‌برای‌این که خرج خانواده راتامین‌کنم، درمجالس تعزیه وعروسی چای می‌دهم ومزدی دریافت میکنم که بسیارناچیز است. حالامدتی‌است به‌اینجامی‌آیم تایك‌کاردائمی‌پیدا کنم، اما‌این‌ها جواب سربالا میدهند. این‌ها همه‌شان طاغوتی هستند. همان‌هایی‌هستند که سابق نیزحق‌فقیربیچاره‌ها را پایمال میکردند».

کارگر بیکار دیگری به خبرنگار «مردم» می‌گوید:

«من دریك‌شرکت‌راهسازی وابسته به‌اداره راه‌کارمی‌کردم. ۶ ماه قبل‌کارمان‌تمام‌شد وهمگی بیکار شدیم. تعدادی از ما که زرنگ‌تر بودند، دستشان به‌کاری بندشد،اما افرادبی‌دست‌وپاتی‌مثل من بیکارماندیم. حالا نه‌به ماکار می‌دهند، نه‌خسارت.»

براساس‌گزارش خبرنگار ما، این‌کارگر نیز مانند بقیه، بعدازمراجعه‌های‌مکرر به‌اتاق‌های مختلف، کارش بسه روز دیگری موکول شد.

## «وتو»ی اتحاد شوروی ...

بقیه ازصفحه ۱

امپریالیسم‌آمریکا، که‌میکوشیدباستفاده ازاین‌سازمان بین‌المللی وتحمیل نظریات خود به‌این سازمان،ایران را درمحاصره‌اقتصادی قرار دهد، باوتوی‌اتحادشوروی باشکست‌کامل مواجه‌گردید.

نماینده اتحاد شوروی درشورای امنیت اظهار داشت، «آمریکا میخواهد علیه ایران مجازات برقرار کند وقوانین بین‌المللی را هرطور که میخواهد اجرا نماید، آمریکا میخواهد از سازمان ملل‌متحد بعنوان وسیله‌ای برای مداخله در امور داخلی ایران استفاده کند. آمریکا باپیشنهاد مجازاتهای یکجانبه علیه‌ایران که مغایر منشور سازمان ملل است، میکوشدقوانین‌را به‌انحصار خود درآورد.»

این نخستین‌بار نیست‌که دولت اتحادشوروی، با پیروی از سیاست اصولی خود،که مبنی بردفاع از حقوق وآزادی واستقلال خلقها، جلوگیری‌ازمداخلات وتجاوزات امپریالیستی وپشتیبانی ازجنبشهای‌رهائی‌بخش ملی وانقلابهای ملی و ضدامپریالیستی است، حمایت موثروقاطع خودرا نسبت به‌انقلاب بزرگ‌مردم ایران **درعمل وبدون هیچگونه چشم داشتی** به اثبات رسانده است.

اتحاد شوروی وجمهوری دموکراتیك‌آلمان‌ـ دوکشور سوسیالیستی‌ـ ازانقلاب ایران دفاع میکنند و تلاشهای امپریالیسم‌آمریکارا برای «تنبیه» اقتصادی ایران عقیم میگذارند. اما بنگلادش رأی ممتنع و تونس رأی موافق میدهد. واین هردوکشور باصطلاح اسلامی هستند!

این رویداد باردیگرماهیت ضدانقلابی‌رهبری مائوئیستی پکن‌رانیزرسوا میکندونشان میدهدکه‌پکن در زدوبندهای خود با امپریالیسم و ارتجاع جهانی تا کجا پیشرفته است. این‌به اصطلاح انقلابیون، که داعیه سرکردگی انقلابهای جهان را درسرمیپرورانندوتلاش دارند خود راحامی وپشتیبان جنبشهای رهائی‌بخش جاوزنند، امروزدرست درمواضع امپریالیسم آمریکا و همه نیروهای‌ارتجاعی وضدانقلابی جهان‌قرارگرفته‌اند وعلیه‌کشورهای سوسیالیستی وآزادی واستقلال‌خلقهای جهان با امپریالیسم جهانخوارهمداستانند. جالب‌است که نماینده‌چین‌انگیزه عدم شرکت خودرادررأی‌گیری چنین توجیه‌کردکه این قطعنامه به آزادی‌گروگانها کمکی نمیکند! یعنی چین مائوئیست فقط نگران «گروگانهای» آمریکائی است ونه چیزدیگر!

دولت اتحاد شوروی و دیگرکشورهای جامعه سوسیالیستی ازهمان دوران‌گسترش واوجگیری جنبش انقلابی‌درایران وپس‌ازپیروزی انقلاب بزرگ مردم‌ما، درپشتیبانی ازایـن انقلاب همواره موضعی روشن و قاطع داشته‌اند. مواضع اتحاد شوروی نسبت‌به انقلاب ایـران و همچنین سایر جنبشها و انقلابهای خلقی و دموکراتیك‌وضدامپریالیستی‌ناشی‌ازاصول خارجی این کشوراست‌که تعیین‌کننده‌آن‌نظام‌اجتماعی سوسیالیستی است‌که درکشورشوراها استقرار یافته است.

درآستانه پیروزی انقلاب درایران، زمانی‌که امپریالیسم امریکادست‌اندرکار مداخله مسلحانه‌وبخاك وخون‌کشیدن انقلاب ایران‌بود، اخطارجدی وقاطعانه دولت اتحاد شوروی به امپریالیسم امریکا وپشتیبانی صریح اتحاد شوروی ازانقلاب ایران، تلاشهای امریکا راعقیم‌گذارد.

طی‌دوران‌قریب به‌یکسالی‌که ازپیروزی‌انقلاب ایران‌میگذرد، وبویژه طی‌چندماه اخیر،که پس از اشغال لانه‌جاسوسی امریکا درتهران، دروابط ایران و امریکا بحرانی پدیدآمده وامپریالیسم امریکا تدارکات جنگی‌خودعلیه‌ایران‌ـ‌اتشدیدکرده، دولت اتحادشوروی روی اخطارهای خودبه امپریالیسم امریکاتاکیدکرده‌و دولت امریکارا ازمداخله مسلحانه علیه‌ایران برحذر داشته‌است.

این واقعیات را باهیچ سفسطه و تبلیغات ضد شوروی وضدکمونیستی نمیتوان نادیده گرفت. واقعیت اینستکه موضع اتحادشوروی نسبت به انقلاب ایران تمام تلاشهای امپریالیسم آمریکارا درهمه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی ونظامی علیه ایران باشکست روبرو کرده وبه‌ایالات متحده‌آمریکا امکان نداده است‌که‌روند پیشرفت انقلاب در ایران را متوقف سازد وبه‌آن‌ضربه وارد آورد.

هستندکسانیکه بعمد میخواهند مواضع اتحاد شوروی وپشتیبانی دولت شوروی ازانقلاب ایران را تحریف ویاهرقدر ممکن است ناچیز و بی‌تاثیر در سرنوشت انقلاب میهن‌ما جلوه دهند. اماسیاست اتحاد شوروی ومواضع‌آن درپشتیبانی وحمایت ازانقلابها و جنبشهای رهائی‌بخش ملی خلقها عاملی است‌که، برغم تمایل وخواست این وآن، تاثیر مثبت خود را باقی میگذارد.

ماامیدواریم که زندگی‌آن نیروهائی‌را هم‌که صادقانه نسبت به‌انقلاب‌ایران وسرنوشت‌آتی‌آن‌دلسوز هستند، باوجود همه پیش‌داوریهای ضدکمونیستی وضد شوروی، برای قبول این‌واقعیت راهنماگردد.

## در مطبوعات کشور

### عدم قاطعیت دادگاه‌های انقلاب به‌توطئه‌ها وسعت بخشیده است

☆ جمعی ازعلمای شیراز با انتشار پیامی باانتقاد ازعدم قاطعیت‌دادگاههای انقلاب‌اسلامی دربرابر ماهیت ضداسلامی وضد انقلابی حزب جمهوری‌خلق مسلمان توطئه‌های‌اخیرضدانقلاب درتبریز رابشدت محکوم‌کردند.

دراین‌پیام آمده‌است عدم قاطعیت دادگاههای انقلاب‌در برابر توطئه‌ها وارفاقهائی‌که از آن ناحیه نسبت‌به مخالفان اسلام وگروههای‌ضدانقلاب‌اعمال‌گردید به‌توطئه‌ها وسعت‌بخشید.

درقسمت دیگری ازاین پیام آمده است آن‌روز که ما اعلام خطرکردیم وماهیت ضداسلامی و ضدانقلابی حزب‌جمهوری خلق رابرملاکردیم. شایدبودندکسانی که‌بگفته ما باشك و تردید می‌نگریستند. ولی‌امروزبادریده شدن ماسکها وظاهرشدن چهره حقیقی‌این‌حزب مزدور دیگر برای کسی‌جای شك وتردیدباقی نمانده‌است‌ودریافته‌اندکه‌جمعیت اسلامی نمی‌تواند با محمد رضا مخلوع کافرکیش و بختیار ضد انقلاب وعامل امپریالیسم در رابطه باشد.

علمای‌شیراز در خاتمه‌ضمن تائیدعمل‌انقلابی دیروز، ازدادگاه انقلاب تبریز خواسته‌اندکه طبق دستورقرآن شدت‌عمل‌را بکاربرده وضدانقلاب رابسزای‌اعمالش برساند.

(بامداد، ۲۲دی)

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی:

### گروهی از سرمایه‌داران تبریز به چماقداران در ایجاد آشوب کمکهای مادی کرده‌اند

● رئیس دادگاه انقلاب‌اسلامی تبریز پرده‌از روی کارهای حزب‌خلق مسلمان‌برداشت وطی تماس اختصاصی با خبرنگار ما در تبریز اعلام‌کردکه عده‌ای از دستگیرشدگان را از دهات اطراف خوی تطمیع‌کرده وبه تبریز آورده‌اند و یکی از همین افراد در بازجوئی‌اظهار داشته است‌که هزارتومان از یك سرمایه‌دار گرفته‌است.همین‌شخص نام عده‌ای از سرمایه‌داران را که به طرفداران خلق مسلمان جهت برپاکردن آشوب‌کمکهای مادی نموده‌اند، فاش‌کرد.

(انقلاب اسلامی‌ـ۲۳ دی‌ماه)

توسط حجت‌الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز

### عاملان حوادث تبریز معرفی شدند

حجت‌الاسلام‌موسوی در آغاز این مصاحبه بفعالیت عناصر وابسته‌به‌سرمایه‌داران درتبریز وساواکیهای رژیم سابق اشاره‌کرد وگفت:

پس‌از اینکه رژیم شاه مخلوع سقوط کرد و دست امریکا از رژیم وسازمان امنیت کوتاه شد ، فعالیت از طرق دیگری شروع شد و پایگاه امریکا در ایران همان سرمایه‌داران وابسته به‌استثمارگران بود و از طریق اینها بودکه شروع بفعالیت‌کردند واز فقر مردم‌برای مقاصد شوم خود استفاده نمودند و الان همین مسئله در تبریز مشاهده میشود.

از یکطرف افراد سرمایه‌دار وابسته که هرگز بفکر ملت فقیر نبودند و حتی از یك تکه‌فرش خانه‌شان میتوان چند خانه برای‌فقرا و بیچاره‌هائی‌که الان تحریك میشوند و به خیابانها راه می‌اندازند، خریداری کرد و ساواکیهای معدوم شده وخانواده آنها یا خانواده‌های ساواکیهای فراری یا اینکه افراد فقیر ناآگاه و یا یك‌هشت افراد اوباشی که پرونده‌های طولانی در زندانهای مختلف‌دارند.

حجت‌الاسلام موسوی سپس گفت: وقتی که حوادث تبریز را بررسی‌کردیم ، مشاهده نمودیم همان چند نفری‌که حلقه‌وار در رژیم شاهنشاهی با ساواك همکاری میکردند ، در برنامه‌های فراماسونری کشور زیر نظر شریف‌امامی در شاخه تبریز عوامل موثر و بزرگشان همین‌ها بودند، حالا هم در زیر سرپوش خلق مسلمان جلساتی تشکیل میدهند وهمانها هستندکه پول جمع میکنند و در جلساتی‌که در چند روزاخیر داشتند و ما افرادی را مامورکرده بودیم که ببینیم در این جلسات چه‌کسانی جمع میشوند . امثال مرتضی خوئی‌که در راس فراماسونری تبریز است وتوکلی که صاحب زمین است در پارك ملت ( شاه گلی سابق ) زمین محل فراماسونری را او داده بود و مرتضی خوئی زمینی در کوی ولیعهد داده بودکه ساختمان آنرا دردست کنند و دکتر صدقیانی که اخیراً بعلل‌نامعلومی ترور شده،او هم در فراماسونری شرکت داشت و در روزهای اخیر با همجلسات متعددی داشتند . همچنین حاج محمد صباغ‌پور که اخیراً دستگیر شده یکی از سرمایه‌داران استثمارگر تبریز است که از خون انگشتان کارگران قالیباف ثروت هنگفتی اندوخته و بیشتر دستگیرشدگان فرش‌باف میباشند . من متأثرم از اینکه‌این افراد ناآگاه‌را به‌خیابانها راه می‌اندازند.

محمد صباغ‌پور در منزل خودش بقدری فرشهای گرانقیمت و در بانکها پولهای زیادی داردکه میتواند صدها خانواده را اداره کند . او با خط خودش نامه مینویسد و تحریك میکند و اطلاعیه منتشر میکند و مردم را براه می‌اندازد و خودش پشت پرده قرار می‌گیرد .

این آقای محمد صباغ‌پور برادر خانم حکم‌آبادی نماینده آیت‌الله شریعتمداری‌است. این آقا همیشه با آقای حکم‌آبادی‌کار میکند.

(کیهان، ۲۴ دی)

### از کمکهای رفقاودوستان سپاسگزاریم

بهزاد ۱۰۰۰۰ ریال
رویاکوچولو به‌حزب‌پدرش ۱۵۰۰ ریال
دوست‌عزیز ر. رضائی کمك های ارسالی شمارسید. باتشکر

منتشر شد:
نان
(مجموعه قصه)
از هوشنگ اسدی

# لیست ساواکی‌ها را منتشر کنند!

# الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر، خدمتی است به رونق اقتصاد کشاورزی و خواست مبرم دهقانان زحمتکش است

## اخبار دهقانی

### دهقانان نورآباد ممسنی به تحریکات خانها و مالکان بزرگ اعتراض دارند

چندی قبل عده‌ای از دهقانان و روستائیان زحمتکش «فهلیان» (ازتوابع نورآباد ممسنی) به‌منظور اعتراض به‌ستمکاریها وتعدیات خانها و بزرگ‌مالکان منطقه به‌نورآباد رفتند و به‌راه‌پیمائی‌پرداختند.

ولی در حین راه‌پیمایی دهقانان ، عده‌ای که معلوم شد وابسته به‌ساواکی‌ها و خوانین بودند ، ازخارج به‌صف تظاهرکنندگان‌وارد شدند و ناگهان شعارهای ضدکمونیستی سردادند . این عده میخواستند از حق‌طلبی دهقانان سوء استفاده کنند و محیط‌تشنج، که مطلوب ضد انقلاب است ، بوجود آورند . وقتی صف‌دهقانان به‌نزدیک‌ـ کیوسک روزنامه فروشی «مجاهد» رسید ، این عده به‌کیوسک حمله‌ور شدند، که به دلیل مقاومت مردم کاری ازپیش نبردند . همین عده سپس درکتابفروشی «علم» را شکستند وکتابها و اموال کتابفروشی رابه غارت بردند .

دهقانان که برای احقاق‌حق‌خود و رفع ستم خانها به‌راه‌پیمایی اقدام کرده بودند ، ازاین که سرسپردگان خانها و بازماندگان ساواک به‌نام آنها به‌چنین اعمال ضدانقلابی دست زدند ، سخت ناراحت بودند و می‌گفتند مالکان بزرگ و خانها بااین اعمال‌می‌خواهند نورآبادو ممسنی را به بلوا و هرج و مرج بکشانند تا اعتراض برحق دهقانان را خفه‌کنند . دهقانان نورآباد و ممسنی از شورای انقلاب می‌خواهند که اگر قرار است دهقانان‌به‌حق خود برسند، جلوی این تحریکات را، که تنها ضد انقلاب از آن سود میبرد، بگیرند.

### دهقانان هفت روستای بندرگز از وضع طاغوتی شرکتهای تعاونی روستایی بجان آمده‌اند و تقاضای رسیدگی فوری دارند

دهقانان عضو شرکت تعاونی روستایی «دهقان» ، واقع در بخش بندرگز، که از ادغام‌شرکتهای تعاونی بندرگز ، گز شرقی، گز غربی ، کوه صحرا ، وطنا ، دشتکلاته غربی و دشتکلاته‌شرقی تشکیل شده‌است ، در رژیم طاغوت از خودسری و سودجویی سرپرستان واولیای اموراداره تعاونی شهرستان‌گرگان بسختی رنج می‌بردند و زیانهای بسیار متحمل می‌شدند . پس از پیروزی انقلاب، دهقانان انتظار داشتند در اداره شرکت های مذکور تغییرات بنیادی صورت گیرد . متاسفانه این انتظار به‌جایی نرسید.

حدود دوماه قبل‌ـ «آبانماه» که مدت اعتبار‌اعضای‌هیئت‌مدیره طاغوتی به‌پایان رسیده بود ، سرپرست تعاون امور روستابه اتفاق مدیر عامل شرکت، برخلاف قانون وبدون اعلام قبلی، مخفیانه شروع به «انتخابات» اعضای هیئت مدیره کردند . جریان «انتخابات» در پنج‌روستاسرهم‌بندی شد و نوبت انتخابات«گزشرقی» رسیده‌بود که موضوع با مخالفت جدی دهقانان مواجه گردید . اجتماع دهقانان درمسجد صاحب‌الزمان گز قطعنامه‌ای در محکوم ساختن این روش طاغوتی صادر کرد . اداره تعاون می‌خواست همان وضع دوران خفقان بی‌سروصدا ادامه یابد و همان قماش افراد به‌عنوان مدیر عامل و سرپرست به‌دهقانان و سرنوشت شرکتهای تعاونی آنان تحمیل شود . دهقانان عضو این‌شرکتها ابتدا بمراجع مسئول مراجعه کردند وچون نتیجه نگرفتند، اجتماع کردند واعلامیه‌ای صادرکردند باعنوان: «تاکی‌عوامل رژیم‌گذشته؟» که آنرا در روستاهای اطراف توزیع کردند . دراین اعلامیه‌پس از توضیح چگونگی تشکیل واداره این شرکتها نوشته بودند :

«باتوجه به‌اینکه شرکتها در حدود ٤ میلیون تومان سرمایه در اختیار دارند ، ما کشاورزان اعضای تعاون روستائی از مزایا ووام شرکت محروم هستیم وبطورکلی نمیدانیم این سرمایه دراختیار کیست وچه کسی ازآن استفاده می‌کند؟»

نامه‌های متعددی باامضا واثر انگشت دهها دهقان عضو هریك از این شرکتها به‌سازمان تعاون و امور روستاهای کشور و مقامات محلی وروزنامه‌ها نوشته شد ، که بجائی نرسید . درتاریخ ۹ دیماه دهقانان ناچار به «رهبر عالیقدر ملت ایران، امام‌خمینی» نامه‌ای می‌فرستند و در آن ضمن بیان وضع این شرکتهاتقاضا می‌کنند :

۱ـ یك گروه بازرسی به‌این بخش اعزام شود ، تاباهمکاری نمایندهٔ اعضای تعاونیها به حسابهای شرکتها رسیدگی کنند.

۲ـ انتخابات کاملا آزاد با حضور اکثریت اعضاء انجام شود، تااین شرکتها از وجود افراد ناصالح پاکسازی شوند .

۳ـ شعبه خرید محصولات کشاورزی تکثیر و در دسترس دهقانان قرارگیرد.»

سرانجام یك گروه حسابرس معرفی شد که رسیدگی کند. وقتی نمایندهٔ دهقانان به‌دفتر حسابرسی رفتند ، دیدند که‌وی کاررا تقریبا «تمام» کرده و «ترازنامه» را تنظیم کرده‌است . دهقانان که احتمال سوءاستفاده‌های کلان رادرکار اداره شرکتها ازنظر دور نداشتند، ازاو خواستند تااسناد «بدهکاران» به شرکتها را صورت دهد. مدیر عامل شرکت حاضر به‌این کارنشد .نمایندگان دهقانان ناچار به‌اداره تعاون روستایی گرگان مراجعه کردند و خواستند کار رسیدگی باهمکاری نمایندهٔ دادستان صورت‌گیرد.

این پیشنهاد هم پذیرفته نشد . معلوم شد در اسناد بدهکاران‌نام اشخاصی نوشت شده ، که اصلا شش سال است وام‌نگرفته‌اند.

نمایندگان دهقانان درششم‌دیماه جلسه عمومی‌اعضای شرکتها را تشکیل دادند . دراین جلسه قرار شد موضوع را بافرماندار درمیان گذارند . پس از مراجعه مکرر نمایندگان دهقانان ، فرماندار پذیرفت که نمایندهٔ دادستان و دونفر حسابرس از طرف اعضای‌شرکت به‌حسابها رسیدگی کنند .

رسیدگی مقدماتی نشان میدهد که درزمان تصدی مدیر عامل ، صورت اسامی‌اعضای شرکت در صورتهای حسابداری شرکت از ۲۷۰ نفر به ٦۷۷ نفر افزایش یافته ، یعنی حدود ٤۰۰ صاحب‌سهم روی کاغذ اضافه شده است . و اینها کسانی هستند که هریك ۵۰ ریال سهم خریده‌اند ومبالغی وام‌گرفته‌اند. درحالی‌که لااقل ۷۰ درصد این‌عده اصلا شناخته شده نیستند و معلوم نیست آیا این افراد واقعا وجود دارند یانام مستعار است، که به‌قول نمایندهٔ دهقانان «خودشان رمزش رامی‌دانند.»

جریان در یك گردهمایی اعضای شرکتهای تعاونی در تاریخ ۹ دیماه درمسجد صاحب‌الزمان روستای گز به‌اطلاع اعضا رسید واینك همه دهقانان عضو مصرانه می‌خواهند که به‌این حسابها تا آخر رسیدگی شود ، حقوق از دست‌رفته دهقانان تامین گردد ، جریان طاغوتی تشکیل و اداره این شرکتها برای همیشه پایان یابد و مسئولان امرمحاکمه و مجازات شوند.

## رسانه‌های گروهی امپریالیستی منبع دروغ، تحریف و گمراهی اند

**انقلاب** بزرگ مردم ایران مرحله حساسی رامیگذراند . توده‌های میلیونی زحمتکشان ایران نبردی بی‌امان و پیگیر علیه امپریالیسم‌جهانی‌بسرکردگی‌امپریالیسم‌امریکارابی‌وقفه‌ادامه میدهند. دراین‌نبرداطلاعات‌واخبار وچگونگی‌استفاده ازآن‌میتواند نقش تعیین‌کننده‌درروشنگری و یا بالعکس‌گمراهی افکار عمومی داشته باشد. بهمین سبب رسالتی‌که به عهده رسانه‌های‌گروهی‌گذارده شده بس‌مهم و پرمسئولیت‌است.

**متاسفانه** بایدگفت‌که عمده منبع تغذیه اطلاعاتی رسانه‌های گروهی ما، به‌روال‌گذشته، عبارتست‌از منابع امپریالیستی. آیا ادامه این روند زائیده عدم شناخت ماهیت این‌منابع‌است؟ آیا هنوزهم‌هستندکسانی‌که به‌نقش مخرب‌منابع خبری واطلاعاتی امپریالیسم پی‌نبرده‌اند ؟ آیا میتوان درشرایطی‌که مبارزه‌ضد امپریالیستی توده‌ها هرروز نیروی بیشتری‌کسب میکند ، اهمیت استفاده از اطلاعات و اخبار را نادیده گرفت ؟

انحصارهای امپریالیستی «به‌قدرت‌اطلاعات واخبار» واقفند وبدان ارزش فوق‌العاده‌ای میدهند . بی‌سبب نیست که جامعه شناسان سرمایه داری میگویند، «حاکمیت اطلاعات ، تنها حاکمیتی است‌که قدرتش روبفزونی‌است.» بهمین دلیل انحصارهای جهان سرمایه‌داری با تمام قوامیکوشندکه رسانه‌های‌گروهی را قبضه کنند.

**محقق** امریکائی ، جوکلس درباره تبلیغات‌سرمایه‌داری‌مینویسد که، هدف‌آن «تربیت‌انسان فاقد هرنوع قابلیت‌تفکر انتقادی‌وعقلانی‌است». درغرب میگویند، «عناوین‌روزنامه‌ها هستند که سیاست میسازند». این‌نظر، گرچه‌تااندازه‌ای ساده‌کردن مسائل است، ولی‌درعین حال‌بیانگر واقعیتی است، زیرامکانیسم فریب افکار عمومی را تاحدی روشن‌میکند.

رسانه‌های گروهی حربه‌ایست دردست انحصارها برای دامن‌زدن به «جنگ‌روانی» علیه نهضت‌های رهائی‌بخش ملی وکشورهای سوسیالیستی ازطریق فریب افکارعمومی. تازه‌نام این‌چنین تبلیغات آشکارا ضدمردمی‌وگمراه کننده را «آزادی تبادل اطلاعات» میگذارند وازکشورهای «جهان‌سوم» میخواهند، که‌درنشر هرچه‌گسترده‌تر آن‌کوشا باشد!

برای اینکه بتوان به‌ماهیت «سیل‌آزاد اطلاعات» ازکشورهای امپریالیستی پی‌برد، کافیست وضع موجود درزمینه اخبارواطلاعات‌را درجهان سرمایه‌داری موردبررسی‌قراردهیم.

درحال حاضر چهارپنجم تیراژ روزنامه‌ها ومجلات، نه‌دهم‌قدرت‌مراکز رادیوئی با موجهای بین‌المللی و ۹۵ درصد قدرت فرستنده‌های تلویزیونی توسط تعداد قلیلی از کنسرنهای دولتی‌ـ انحصاری وانحصارهای خصوصی‌آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن‌کنترل میشوند. درحدود ۴۰ تا ۵۰ انحصار چند ملیتی، از RCA-NBC و خبرگزاریهای یونایتدپرس و آسوشیتدپرس درایالات متحده آمریکاگرفته تا انحصار مطبوعاتی کانادائی‌ـ انگلیسی ر.تومسون وکنسرنهای عدیده آلمانغربی، ژاپنی،فرانسوی وغیره‌مضمون‌وجهت‌اخبارواطلاعات، برنامه‌های فرهنگی و همچنین مقالات اساسی مطبوعات را به‌اکثر کشورهای غیرسوسیالیستی جهان دیکته میکنند. ۸۰ درصد اطلاعات و اخباری‌که با رادیوها وتلویزیونها پخش ودرمطبوعات این کشورها درج میگردد، ساخته و پرداخته چهار خبرگزاری بزرگ جهان، یعنی یونایتدپرس، آسوشیتدپرس، رویتر وفرانس‌پرس است.

رئیس جمهور فنلاند «ککونن» بدرستی خاطرنشان میسازدکه‌کشورهای درحال رشد قربانی دست‌وپابسته «امپریالیسم اطلاعاتی» کشورهای صنعتی غرب هستند. این واقعیتی است انکارناپذیر، بویژه اگردرنظربگیریم‌که دفاع‌از «تبادل آزاد اطلاعات» که اینهمه‌درغرب درباره آن سروصدا براه‌انداخته‌اند، درواقع عبارتست از آزادی تملك انحصاری رسانه‌های گروهی بمنظوردفاع ازمنافع امپریالیسم‌ازطریق گمراه‌ساختن افکارعمومی.

بلافاصله پس‌از جنگ جهانی دوم، معاون وزیرامورخارجه، ایالات متحده امریکا نیتون، سیاست واشنگتن درباره «آزادی اطلاعات» را چنین توصیف‌کرد:

«وزارت امور خارجه‌درصدد است باتوسل به‌کلیه وسائل ممکن برای‌درهم شکستن‌سدهای مصنوعی‌فعالیت‌خبرنگاران ایالات‌متحده‌امریکا، بخش‌مجلات‌مصور، فیلمها،وغیره اقدام‌کند. وی افزودکه : «آزادی مطبوعات وبطورکلی آزادی تبادل اطلاعات بخش جدائی ناپذیر سیاست خارجی‌ما است.»

**وقتی** از «تبادل آزاد اطلاعات» سخن میرود، هدف‌بهیچوجه قبول‌مسئولیت درموردصحت مضمون ومحتوی اخبار وتفسیرها نبوده‌نیست. آنچه محافل امپریالیستی میخواهند ، آزادی عمل یك‌جانبه درزمینه تبلیغات گمراه کننده است . تصادفی‌نیست‌که در سال ۱۹۴۶ ، وزیر امورخارجه امریکا ، جون فوستردالس گفت :

«اگر به‌من اجازه داده میشد یگانه اصل سیاست خارجی را اعلام‌کنم . من آزادی‌پخش اطلاعات را انتخاب میکردم» .

چرا آقای‌دالس چنین اهمیت‌فوق‌العاده‌ای به‌پخش اطلاعات میداد ؟ برای اینکه ایالات متحده‌امریکا بخش عمده امکانات مادی ـ فنی جمع‌آوری وپخش اخبار واطلاعات را دردست دارد. «آزادی اطلاعات»درقاموس‌انحصارگران امریکائی ، یعنی صدوریك‌جانبه اطلاعات‌بدیگر کشورهای جهان. ارقام وفاکتهای زیرین‌صحت این نظررا به‌ثبوت میرساند .

ازکل برنامه‌هائیکه در صفحات تلویزیون ایالات متحده‌آمریکا ظاهر میشود، فقط‌یك‌درصد آن ازطرف تهیه‌کنندگان غیرآمریکائی ارائه میگردد. میزان واردات کتب ومطبوعات هم در چنین‌سطح نازلی قرار دارد. مثلا، ورودکتب و مطبوعات ازکشورهای سوسیالیستی تحت‌کنترل شدید مقامات امنیتی است . کسانیکه بخواهند مطبوعات‌کشورهای سوسیالیستی را آبونه‌شوند، باید بعنوان «عامل‌خارجی!» ثبت‌نام‌کنند. طبق برآوردکارشناسان خارجی، کمتر از یك درصد رادیوهای موردواستفاده در داخل ایالات متحده آمریکا دارای امواج بین‌المللی برای شنیدن اخبار خارج ازآمریکا است.

بادرنظر گرفتن این حقیقت بودکه‌گروهی ازکارشناسان یونسکو، درکنفرانسی در کانادا (سال۱۹۶۹)، به‌این‌نتیجه رسیدندکه آنچه‌بنام «سیل‌آزاد اطلاعات» مشهور شده، عملاعبارتست ازسیل یك‌جانبه اطلاعات. لذا وقتی در آمریکا «ازآزادی‌همه‌انسانهادردستیابی آزادبه‌اطلاعات» سخن میرود، دروغی بیش نیست.

**درغرب** دو نوع اخبار و اطلاعات وجود دارد، «سفید» یعنی رسمی وآزاد و «سیاه»، که درخدمت «جنگ روانی» است.جاسوس حرفه‌ای سابق «سیا» دررشته «جنگ روانی» ج.اسمیت، مینویسد:

«عملیات تبلیغات«سیاه»، یعنی استفاده از منابعی که‌بدلایلی‌میبایدپنهان‌گردد ویابه‌افرادی که هیچگونه بااین منابع ارتباط ندارند،نسبت داده شود».

«تبلیغات سیاه» وارد درچارچوب فعالیت مؤسسات ویژه جاسوسی دول امپریالیستی است. در دودهه اخیر، اخبار گوناگونی دراین زمینه درجهان انتشاریافته‌که تاحدی منابع «تبلیغات سیاه» را افشاکرده است. خبرارتباط نزدیك «سیا» بارسانه‌های‌گروهی ایالات متحده‌امریکا، که درسال ۱۹۷۷ پخش شد، نمونه جسالبی در این زمینه است. بیش‌از ۴۰۰ روزنامه‌نگار و خبرنگارآمریکائی درفاصله سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ رسماً درخدمت سازمان‌جاسوسی «سیا» بودند.دربین‌این افراد، نمایندگان‌خبرگزاریها ومطبوعات مشهورآمریکا نیزوجود داشتند. تردیدی نیست‌که این روند امروز نیز ادامه دارد.

**اخبار** و تفسیرهای ناصحیح و تحریف شده‌ای‌که خبرگزاریهاوروزنامه‌نگاران دول امپریالیستی از حوادث داخلی ایران به‌کشورهای خود مخابره میکنند وبارها مورد اعتراض مقامات رسمی دولتی نیز بوده، بیانگر شیوه‌کار «امپریالیسم اطلاعاتی» است. شگفت‌انگیز نیست که برخی از رسانه‌های گروهی ایران باعلم برماهیت «امپریالیسم اطلاعاتی» اخبار و تفسیرهای تحریف شده اینگونه منابع شناخته شده را در مورد دیگرحوادث جهان به مقیاس وسیع در داخل پخش میکنند؟

## توجه!

نخستین‌سالگرد انقلاب‌بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیك‌است.

از تمامی دوستان ، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطره‌جالب و زیبائی از دوران یکساله‌انقلاب دارند ، هرگونه عکسی ازرویدادهای ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد واعلامیه‌های احزاب ، سازمانها و گروههای مختلف‌را، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده ـ دردسترس دارند ـ اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستندوبدینوسیله صفحات «مردم» را در برگزاری شایسته جشن سالگرد این‌انقلاب تاریخ‌ساز ، غنی کنند . در روی پاکت‌بنویسید : «مربوط به‌انقلاب ایران».

«مردم»

### رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در «مردم» ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است.

### نمایشگاه بیاد دکترتقی ارانی رهبر زحمتکشان

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکترتقی ارانی، رهبرزحمتکشان ایران است . بدین‌مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاداین‌دانشمند انقلابی شهید ترتیب‌داده شود.

از همه‌کسانی‌که عکس یا اطلاعی درباره زندگی خصوصی‌و اجتماعی،درباره‌مبارزه‌ودستگیری و زندان وشهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات‌خودرادراختیاردبیرخانهٔ کمیته‌مرکزی حزب تودهٔ ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهدبود.

### برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» درنظرداردعکسهای تمام‌مبارزانی‌راکه‌دردوران‌سلطنت ننگین ومنفورخاندان پهلوی در راه‌آرمانهای ملی‌ومیهنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اند،جمع‌آوری کند. ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌خواهان تقاضامیشودکه هرعکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ـ «مردم»

### خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه‌کنند

پاریس

Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

ایتالیا

Shams
Via G. Vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel.6614922 (TUDEH)

انگلیس

P.O. BoX141
London, E.70 PE

### حزب تودهٔ ایران ازتمام کاندیداهای ریاست جمهوری می‌طلبد که:

برنامه‌کارخودرا بطورروشن ومشخص اعلام‌دارند تامردم وهمچنین احزاب،سازمانها وگروههائی که‌کاندیدای مستقل ندارند ـ ازجمله‌ما ـ باآشنائی بااین‌برنامه، بتوانند باآگاهی کامل انتخاب خود را ازمیان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

### حزب توده‌ایران ازتمام کاندیداهای ریاست جمهوری می‌طلبد که:

نظرخودرادرباره‌برنامه‌انتخاباتی حزب‌تودهٔ‌ایران اعلام‌دارند تاهم مردم وهم‌حزب مابتوانند باموضع،افکار ونظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره نوسازی اجتماعی ـ اقتصادی جامعه‌ما درمقایسه بابرنامه انتخاباتی حزب تودهٔ ایران بهتر آشنا شوند وبازهم بتوانند باآگاهی کامل‌تری‌انتخاب خودرا ازمیان‌کاندیداهای ریاست‌جمهوری بعمل‌آورند.

### نام‌نویسی در حزب تودهٔ ایران

کارگران‌وزحمتکشان‌هوادار حزب‌توده ایران که‌مایلنددرحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکاررا ندارند، میتوانند روزهای جمعه ازساعت ۹ تا ۱۱ صبح واز ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ‌ایران،واقع‌درخیابان۱۶ آذر ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه کنند.درشهرستانها نیز، دفاتر حزب توده ایران‌برای نام‌نویسی آماده است.

## حزب توده‌ایران ازیك برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین مصممانه پشتیبانی میکند

# نویسندگان ایرانی معتقد به انقلاب بهمن و رهبر کبیر آن چه باید بکنند؟

نویسنده سرشناس، ناصر ایرانی :

**□ نویسندگان متعهدنمی‌توانند بپذیرندکه «کانون نویسندگان» نه‌فقط درکنار بورژوازی لیبرال قرارگیرد، بلکه با انواع و اقسام ضدانقلابیون نقابدار نیز، که زیر پوششی از انقلابیگری و آزادیخواهی عمل می‌کنند، همراهی کند**

نویسنده سرشناس ، ناصرایرانی ، نـامه زیرین را برای «مردم» فرستاده است،

و قتی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران تعلیق عضویت آقایان به‌آذین ، کسرائی ، سایه ، تنکابنی و برومند را اعلام کرد ، من که از مدتها پیش نگران سرنوشت کانون نویسندگان بودم و بیم داشتم که این کانون پیش از پیش یکدست شود و بجای آنکه صدای سالم همهٔ نویسندگان متوقی ایران باشد ، بطور دربست در اختیار جبههٔ سیاسی بخصوصی قرار گیرد و همراه آن جبهه به‌ضدیت با انقلاب بزرگ بهمن کشانده شود ، مقاله‌ای نوشتم که در هفته‌نامهٔ «جنبش» ۲۸ آبان چاپ شد .

د ر آن مقاله ابتدا از این واقعیت سخن گفتم که کانون نویسندگان در عمر کوتاه خود مرتبا دچار خونریزی داخلی شده و هر ازگاهی چند نفری از پرقریحه‌ترین‌و قدیمی‌ترین اعضاء خود را از دست داده است . سپس انگشت بر ریشهٔ درد گذاشته بودم و نشان داده بودم‌که ضعف اساسنامه کانون علت عمدهٔ این امر است، زیرا اساسنامهٔ کانون بنحوی تنظیم نشده که منطبق باروح یك کانون صنفی باشد و از تسلط انحصاری یك یا دو گرایش سیاسی خاص در تنها ارگان تصمیم‌گیری و رهبری کانون‌ـ که هیئت دبیران باشد ـ جلوگیری کند. در نتیجه ، همواره ، این یاآن گرایش سیاسی خاص در هیئت دبیران‌تسلط‌تعیین‌کننده داشته‌اند و سرگرایش‌های سیاسی دیگری‌کلاه مانده‌است. ونتیجه‌گرفته بودم‌که وقتی قضایا از این قرار باشد ، واضح است که افراد وابسته به این گرایش‌ها دیگر علاقه‌ای به‌ادامهٔ فعالیت در کانون نشان نخواهند داد وبیصدا یا با صدا خود را کنار خواهند کشید .

مقصودم از نوشتن آن مقاله این بود که شاید نویسندگان ایران ، مخصوصا اعضاء کانون ، بهوش بیایند و بجای کینه‌ورزیها و فرقه‌پرستیهای بیهوده ، آن روند تجزیه و تلاشی را متوقف سازند و کانون‌نویسندگان ایران را نجات دهند . ولی هیهات که صدای من بی‌پاسخ ماند و تنها نتیجه‌ای که گرفتم این بود که نویسنده‌ای درغرب کشور فحش‌نامه‌ای بنظم ونثر نوشت وروزنامه‌ای در شمال کشور آن را چاپ کرد. همین. والسلام.

***

ا کنون خیال ندارم حرفهای سابقم را تکرار کنم. فقط وظیفهٔ اخلاقی و انقلابی خودم می‌دانم که‌نکته‌ای‌راروشن‌کنم: گردانندگان پشت صحنه و بازیگران جلوی صحنهٔ آن نمایش سراسر خدعه ودروغی اجراشد تا به‌آذین وباران اوراازکانون نویسندگان اخراج‌کنند، اینطوروانمودکرده‌اند که‌خواسته‌اند از تسلط حزب تودهٔ ایران بر کانون نویسندگان (که لابد برخلاف اساسنامه بوده) جلوگیری کنند . این خدعه شاید کسانی را که از کم و کیف قضایا مطلع نیستند ، بفریبد و آنان تصور نمایند که آنچه پیش آمده دعوائی بوده میان نویسندگان وابسته به حزب تودهٔ ایران و نویسندگان وابسته به‌گروههای مخالف ، که بضرر طرف اول و بنفع طرف دوم خاتمه یافته . درحالی که چنین نیست . موضوع عمیق‌تر از اینها است .

می‌دانیم‌که از فردای پیروزی تاریخی‌انقلاب بهمن و استقرار جمهوری اسلامی مبارزه‌ای در جامعهٔ انقلابی‌ایران درگرفت که اهمیتی تعیین‌کننده داشت . این مبارزه را بورژوازی لیبرال ، زیر پوشش های مختلف ، از پختیار ـ پرستان وطرفداران سیاست‌گام‌به‌گام گرفته تاگروههای ملی و دمکراتیکی که آدم تعجیب می‌کرد چرا این همه «چپ» شده‌اند ، آغاز و هدفش این بود که برگردهٔانقلاب سوار شود ، رهبری را از چنك خرده‌بورژوازی انقلابی بیرون بیاورد وانقلاب را در چارچوب هدفها و آمال خود محدود و متوقف سازد .

کانون نویسندگان ، یعنی در حقیقت هیئت‌دبیران کانون نویسندگان ، در این مبارزه جانب بورژوازی‌لیبرال را گرفت ، حتی پارا از اینهم‌فراتر گذاشت و دست‌دردست هر فرد یا روزنامه یا گروهك ضد انقلابی‌ئی گذاشت که بزك آزادیخواهی به‌صورت مالیده بود. نمونهٔ بسیارمشخص آقای رضامرزبان‌مدیروسردبیرروزنامه ناگهان «اولتراچپ» شدهٔ پیغام امروز که به‌کانون می‌آمد ویا کانونیان پشت یك میز می‌نشست تا راه مقابله با «فاشیسم» رابیابد، ولی این‌جور افراد یاروزنامه‌ها کم نبودند .

اینکه چرا کانون نویسندگان به‌این روز افتاد ، یك دلیل آشکار دارد : هیئت دبیران کانون زیر نفوذ تقریبا مطلق یکی از «چپ»ترین گروهکهای لیبرال قرار دارد ، که متاسفانه در کانون نویسندگان از همدستی وهمفکری هواداران یکی از اصیل‌ترین سازمانهای انقلابی چپ‌پر ـ خوردار است . اما دلایل دیگری هم دست‌اندرکارند .

یکی از عمده‌ترین‌آن دلایل این است : انقلاب بزرك بهمن نه فقط به‌منافع مالی اکثریت روشنفکران، و از جمله‌نویسندگان لطمه زده ، بلکه نحوهٔ زندگی و نظام‌اخلاقی و تفریحات کمکداری و دائمی آنان را نیز رسوا کرده و با موانع جدی روبرو ساخته است . می‌پذیریم که با این چیزها می‌شد بنحوی کنار آمد ، ولی حرف سراین است که انقلاب بهمن حیثیت و ارزش ومنزلت اجتماعی این آدمها راهم شدیدا بخطرانداخته است .

بیاد بیاوریم که بسیاری از نویسندگانی که‌امروز زیرآفتاب آزادی مقدسی که ببرکت انقلاب بهمن درآسمان ایران می‌درخشد و درمیان توده‌های ازبندرستهٔ قهرمان ، قادر نیستند در ملاء عام خود را ظاهر سازند ، در آن‌دورهٔ سیاه و پرنکبت آریامهری روی چشم مردم جا داشتند . ازاحترام وتوجه عمومی برخوردار بودند ، کتابهایشان دست به‌دست می‌گشت و به‌چاپهای مکرر می‌رسید . نحوهٔ زندگیشان، شوخیهایشان وحتی عادتها واعتیادهاشان مشتاقانه سرمشق قرار می‌گرفت و تقلید می‌شد . مردم بقدری دوستشان داشتند که وقتی آنان به‌زندان می‌افتادند و زه می‌زدند و به‌امر مقامهای امنیتی مصاحبهٔ رادیو ـ تلویزیونی‌می‌کردند و غلط‌کردم‌نامه‌می‌نوشتند ، بروی خود نمی‌آوردند .آخر چه‌می‌شد که اینان در آن روزهای‌تسلیم وحقارت ، یکی از صداهای ضعیف مقاومت بودند ومردم چاره‌ای نداشتند جز اینکه باخوب و بدشان بسازند .ولی وقتی انقلاب اوج گرفت و هرزن ومرد ساده به‌یك قهرمان تاریخساز تبدیل گشت ، آن صداهای ضعیف ، که از حلقومی ضعیف بیرون می‌آمد ، محو شد و از میان‌رفت. وصاحبان آن صداها، درچنین شرایطی، هیچ شگفت‌انگیز نبود که به‌دشمنی باانقلاب برخاستند .

و هیچ شگفت‌انگیز نبود که وقتی زیر سقف‌کانون نویسندگان می‌نشستی ، بوی متعفن دشمنی با انقلاب و رهبر کبیر انقلاب مشام جانت را می‌آزرد وحقیرترین بذله‌های سیاسی‌دلت راسیاه می‌کرد. واضح بود که این چیزها نمی‌توانست عکس‌العملی بدنبال نداشته باشد .

در آن ایام به‌آذین و یاران او کمتر به‌کانون نویسندگان می‌آمدند . فقط یکبارنامهٔ اعتراضیه‌ای‌نمی‌دانم به‌چه مناسبت نوشتند که تاثیر چندروزه‌ای کرد وتمام شد و رفت . دیگران بودندکه گاهگاهی‌اعتراضی‌می‌کردند یا هشداری می‌دادند که صدای منفردشان آنا درهیاهوی چپ‌نمایان‌و«آزادی»پرستان گم‌میشدوبهرحال‌هیچ گوش‌شنوائی نمی‌یافت . دستکم در جلسه‌های عمومی گوش شنوائی نمی‌یافت. گاهی میشدکه نویسنده‌ای پیداشودکه یواشکی بیاید بیخ گوش توبگوید که باحرفهایت موافق است ، ولی می‌ترسد اگر چیزی بگوید او را به‌توده‌ایها بچسبانند (یاللعجب!)

و ضاع از این قرار بود تا ماجرای «شبهای شعر» پیش آمد . ازهمان آغاز ، یعنی از ۲۰ شهریور ۵۸ ، که در جلسهٔ عمومی کانون یکی از اعضاء هیئت دبیران گزارش دادکه درتدارك«شبهای شعر» چه اقدامهائی صورت گرفته ، معلوم بود که قصد دارند این شبها را ، چه‌تشکیل‌بشودوچه تشکیل نشودبهانه کنند تابقول خودشان «ارتجاع حاکم» را «افشاء» مایند. کسانی بودند ـ از جمله خود من ـ که دربرابر این نقشه قویا به‌اعتراض‌برخاستند. آنان نمی‌توانستندبپذیرند که کانون‌نویسندگان در یکی از حساسترین لحظات تاریخی سرزمین ایران ، درلحظه‌ای که سرنوشت انقلاب بهمن مطرح است ، در لحظه‌ای که سوار شدن بورژوازی لیبرال برگردهٔ انقلاب بمعنای خفه شدن وقتل این انقلاب تاریخی است، بمعنای هدر رفتن آنهمه خونهای شریف است که ریخته شد تا طاغوت‌فراری گردد و دست امپریالیسم از ایران کوتاه شود ، آری در چنین لحظهٔ خطیری آنان نمی‌توانستند بپذیرند که کانون نویسندگان نه‌فقط درکنار بورژوازی لیبرال قرار گیرد، بلکه باانواع واقسام ضد انقلابیون نقابدارنیز، که زیر پوششی از انقلابیگری و آزادیخواهی عمل می‌کردند ، همراهی‌کند. گناه به‌آذین ویاران نه‌فقط وفقط این بود که باپیگیری و سماجت مخالف این امر بودند.

وانمود کرده‌اند که به‌آذین ویاران اودرصددبوده‌اند سیاست حزب تودهٔ ایران رابرکانون تحمیل کنند . آدم نیشعور لابد از خودش می‌پرسد چگونه ؟ دست آنان‌که ازتنها ارگان تصمیم‌گیری و رهبری کانون ـ یعنی هیئت دبیران ـ کوتاه بود و حتی بندرت درجلسه‌های عمومی کانون شرکت می‌کردند . پس‌چگونه می‌توانستند سیاست آن حزب رابرکانون تحمیل‌کنند؟ آنان اگر می‌خواستند چنین کنند لابد باید در آن‌دوره‌ای می‌کردند که‌بر هیئت دبیران تسلط داشتند . آیا در آن دوره سیاست حزب تودهٔ ایران رابرکانون نویسندگان تحمیل کردند ؟ اگر پاسخ مثبت است ، چرا صدای هیچکدامتان درنیامد ؟ مگر مغز متفکر هیئت دبیران فعلی در همان دوره عضو هیئت دبیران نبود ، پس چرا هیچکس کلمه‌ای ازاو نشنید که گفته باشد به‌آذین و یارانش دارند چنین گناهی رامرتکب می‌شوند ؟

ا ز آن دوره بگذریم . در دورهٔ فعلی به‌آذین و یارانش ، حتی اگر هم خواستند ، نمی‌توانستند هیچ سیاستی را برکانون تحمیل کنند . گناه آنان ، فقط و فقط ، این بود که به جلسه‌های کانون آمدند و هرفحش و تهمتی را از چپ و راست بجان خریدند ، ولی‌نگذاشتند «شبهای شعر» به‌بلندگوی تبلیغاتی لیبرالهای چپ‌نما و نیهیلیستهای ضد انقلاب تبدیل شود . مزدشان هم تمام و کمال کف دستشان گذاشته شد : ازکانون نویسندگان اخراج شدند .

اخراج به‌آذین و یارانش ، ضمنا ، علت دیگری‌هم دارد. لیبرالیسم که به بزك ودوزك آزادیخواهیش این ـ همه احتیاج دارد ، تاچهره کریهش‌پوشیده بماند ، بیخودی دست به این عمل مستبدانه نزده است . او که دارد در صحنهٔ انقلاب شکوهمندایران قافیه رامی‌بازد وسنگرهایش ـ چه دمکراتیك و ملی باشد و چه رادیکال و ازاین‌جور چیزها ـ یکی بعداز دیگری از دستش خارج می‌شود ، بدجوری به‌کانون نویسندگان احتیاج دارد . این است که می‌بیند می‌ارزد نمایش احمق‌فریبی ترتیب بدهد، مزاحمان را از کانون نویسندگان بیرون بیندازد و آن را بطور دربست تصرف کند .

نویسندگان معتقد به انقلاب بهمن و رهبر کبیر. آن چه باید بکنند ؟ آنان چه خوب می‌بود اگر می‌توانستند کانون صنفی خود را نجات دهند وسیاستهای آن رابامنافع انقلابی توده‌های محروم و ستمدیدهٔ این سرزمین قهرمان هماهنگ سازند . ولی حالا که در روی پاشنهٔ دیگری می‌چرخد چه ؟

پ اسخ چندان دشوار نیست : کانون غصبی از آن غاصبان باد ! من که پاکی نجسی سرم می‌شود و بخودم اجازه نمی‌دهم که پشت سر آقایان لیبرالها نماز بخوانم، چاره‌ای ندارم جزاینکه از کسانونی که این همه برای اصلاحش چانه زده ام ، استعفا بدهم . این نوشته ، در حقیقت ، استعفا نامهٔ من از کانون نویسندگان ایران است

**ناصر ایرانی**
**۵۸/۱۰/۲۱**

---

## رویدادهای جهان

### غوغا درباره افغانستان برای پوشاندن نقشه‌های تجاوزکارانه آمریکا و چین است

امپریالیسم امریکا و دارودسته مائوئیست پکن مشترکا تلاش میکنند جامعه بین‌المللی راهرچه بیشتر به‌مبارزه افتراآمیز و هیستریك علیه انقلاب افغانستان بکشانند . اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز که تحت فشار امریکا وپکن تشکیل شده است ، دقیقا چنین نقشی را بازی میکند . نماینده بلوروسی درمجمع عمومی، درنطقی ازطرف کشورهای سوسیالیستی اروپا ، گفت که‌افغانستان بارها مخالفت خود را با دخالت‌سازمان ملل درامور افغانستان اعلام کرده است. نماینده بلوروسی گفت: «مسئله این است که چه‌کسی به‌غوغا و هیاهو درباره باصطلاح مسئله افغانستان ، مسئله‌ای که‌وجود خارجی ندارد ، نیاز دارد ؟ مسئله آنست که امپریالیسم امریکا و چین به‌این غوغا نیاز دارند، تاطرحهای تجاوزکارانه خودرا علیه جنبشهای آزادیبخش و علیه انقلاب‌های ایران و افغانستان پنهان سازند.»

شاه محمد دوست ، وزیر خارجه افغانستان ، نیز گفت . «راهی که انقلاب افغانستان انتخاب کرده ، امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی رانگران ساخته است . امپریالیسم باغوغا میخواهد حضور نظامی خودرا دراقیانوس هند وخلیج فارس افزایش دهد.»

### توطئه مشترك سادات و بگین علیه انقلابهای ایران و افغانستان

مذاکرات انورسادات رهبرسرسپرده مصر ومناخیم‌بگین در آسوان پایان یافت . هرچند این مذاکرات در نهایت اختفاء صورت گرفت ، اما ناظران سیاسی عقیده دارند که تقویت محور تجاوزکارانه قاهره ـ تل‌اویو و هماهنگی با سیاست‌های امریکا مسئله اصلی مذاکرات بوده است. این مذاکرات درحالی صورت گرفت که امریکا تحریکات نظامی درخاورمیانه را افزایش داده است و رهبران سرسپرده مصر پیشنهاد کرده‌اند که حاضرند به‌امریکا پایگاه بدهند .

مصر همچنین در خاك خود پایگاههائی برای آموزش عناصر افغانی دایر میکند و این درحالی است که سرزمینهای اعراب واز جمله مصر در اشغال اسرائیل است . رژیم مصر بدین‌ترتیب به ژاندارم امپریالیسم امریکا تبدیل شده است .

رژیم خائن مصر که خود را به‌اصطلاح «مدافع اسلام» جا زده واز جمله چند کشور دست‌نشانده عرب است که خواهان تشکیل کنفرانسی برای باصطلاح مسئله افغانستان شده است ، در مورد بیت‌المقدس خیانت راتمام و کمال انجام داده است . سادات گفته‌است‌که بیت‌المقدس نباید دوباره تقسیم شود وبدین ترتیب باادعاهای صهیونیست‌های اسرائیل مبنی براینکه بیت‌المقدس پایتخت متحد وجاودانی اسرائیل است، همراه شده است.

سادات همچنین با بگین ، این دشمن قسم‌خورده کشورهای انقلابی اسلامی ، درباره توطئه علیه انقلاب‌های ایران و افغانستان تبانی کرده است.

### دولت ترکیه به آمریکا اجازه دادکه از پایگاههای نظامی و جاسوسی علیه اتحاد شوروی و کشورهای خاورمیانه استفاده کند

امپریالیسم امریکا دولت ترکیه را وادار کرد تاموافقت‌کند باردیگر از ۲۶ پایگاه نظامی و جاسوسی در خاك ترکیه استفاده کند . دوپایگاه برای جاسوسی و جمع‌کردن اطلاعات از خاك اتحاد شوروی است . امریکا پس از آنکه پایگاههای جاسوسی و خرابکاری خود را در ایران ازدست داد، بیش ازپیش متوجه ترکیه شد . همچنین امریکا در پایگاه اینجرلیك در ترکیه‌استفاده خواهد کرد . از این پایگاه برای ایجاد تحریکات و حمله به کشور های خاورمیانه استفاده خواهد شد. یك سناتور ترکیه چند هفته پیش درمورد احتمال استفاده امریکا از این پایگاه‌برای ارعاب و تهدید کشورهای دیگر هشدار داده‌بود . نیروهای‌ترقیخواه درترکیه شدیدا به اقدام دولت دمیرل ، که موافقت‌نامه‌های تازه را پاراف کرده است ، اعتراض‌کرده و دولت رابه‌تسلیم‌شدن در مقابل شانتاژ امریکا متهم ساخته‌اند .

### باصطلاح مجازات اقتصادی علیه اتحاد شوروی با ناکامی روبرو خواهد شد

خبرگزاری تاس ضمن‌بحث درباره‌باصطلاح«مجازات اقتصادی» علیه اتحاد شوروی مینویسد :

«امریکا درباره رویدادهای افغانستان هیاهو براه انداخته و میخواهد به‌قول خود اتحاد شوروی را تحت‌فشار قرار دهد». تاس تاکید کرد: «برکسی پوشیده نیست که فشار به اتحاد شوروی درگذشته موفقیت‌آمیز نبوده ودرآینده نیز موفقیت‌آمیز نخواهد بود . اما درمورد خرید گندم ، باید گفت که‌زمامداران امریکا اساس فرضیه خودرا براساس پوچ وواهی استوار کرده‌اند.

درزمان انقلاب کبیر اکتبر در۱۹۱۷، کشورهای سرمایه‌دار و سرمایه‌داران روسیه میخواستند مردم را از گرسنگی ازپای‌در آورند ، اما ناکام‌ماندند . امروز اوضاع کاملا فرق‌کرده‌است . اتحاد شوروی امروز روسیه تزاری بیمار و فقیر نیست که توده‌ها نیازمند یك لقمه نان باشند . اتحاد شوروی امروز یك قدرت بسیار بزرك صنعتی بایك کشاورزی بسیار پیشرفته است ، وبرخلاف چند کشوردیگر صنعتی سرمایه‌داری ، برای غذای مردم خود گندم خریداری نمیکند . مسئله گندم ، بعنوان ماده خام مواد غذائی ، در اتحاد شوروی کاملا حل شده است . تنها مسئله خوراك دامی مطرح است. دراین مورد نیز اتحاد شوروی کاملا از عهده آن برمیاید . اماامریکا بااقدام خود نشان دادکه ابدا به قراردادهایی که روسای جمهوری این کشور امضاء میکنند ،وفادار نیست و این مسئله میتواند چهره‌واقعی امپریالیسم را برای مردم جهان بازهم عریانتر کند.»

### دبیرکل حزب کمونیست فرانسه: برای خروج از بحرانی‌که جامعه فرانسه درگیر آنست، راهی جزسوسیالیسم وجود ندارد

ژرژ مارشه ، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه ، در نطقی خطاب به‌کارگران مجتمع «آتوم‌ماش» در ولگودونسك در اتحاد شوروی گفت :

«شما باکارتان وتکنولوژی بسیار پیشرفته‌ای‌که دراختیار دارید، مردم راقادر میسازید تااز منابع بی‌پایان اتم استفاده کنند و درعین حال ایمنی راتضمین میکنید.»

ژرژ مارشه ضمن اشاره به‌امکانات وسیع اتحاد شوروی در زمینه انرژی گفت : «چشم‌انداز رشد گونه‌گون تولید انرژی از چشم‌اندازهای رشد جامعه شوروی درهمه‌زمینه‌ها جدائی‌ناپذیراست. رشد جامعه شوروی ، برای همه مردم پیشرفت بیسابقه اجتماعی فرهنگی وانسانی را تضمین میکند. این پیشرفت ارزش پاسخی را که سوسیالیسم به‌مشکلات تحول تاریخی داده است ، تاکید میکند».

مارشه خطاب به‌کارگران «آتوم ماش»، که بزرگترین مجتمع تولید تجهیزات برای نیروگاههای برق هسته‌ای است ، گفت :

«در حال حاضر مسئله تولید انرژی ، چه در سطح جهانی چه در سطح کشور فرانسه ، درمرکز یك برخورد طبقاتی حاد و مبارزه شدید سیاسی و ایدئولوژیك قرار دارد . برای خروج از بحرانی که جامعه فرانسه درگیر آن است ، راهی جز سوسیالیسم وجود ندارد . مادر فرانسه مبارزه میکنیم تاکارگران و مردم از بورژوازی همه‌آنچه را که در حال حاضر میتوان دراین موردبدست آورد ، بچنك آورند.»

مارشه گفت : «کمونیستهای‌فرانسه‌کاملا مصمم‌اند به‌مبارزه‌ای قاطع برای صلح جهانی دست زنند و کارگران اتحاد شوروی بهائی راکه پرداخته‌اند، بخوبی میدانند.»

---

## مراسم بزرگداشت تقی باقری سندیکالیست برجسته ومبارز ایران

ازطرف گروهی ازسندیکاها و اتحادیه های کارگری تهران ، مراسم هفتمین سالگرد درگذشت تقی باقری، کارگر مبارز و سندیکالیست برجسته ایران ، درتاریخ ۲۸/۱۰/۵۸ ساعت ۲/۵ بعدازظهر درصحن مطهر حضرت عبدالعظیم ، برگزار میشود. در اطلاعیه‌ای که‌باین مناسبت انتشار یافته است، آمده :

« ماضمن اظهار همدردی‌نسبت به‌برادران‌کارگردخانیات‌که چنین انسان عالیقدری رادرمیان خود ندارند ونثارشایسته‌ترین احترامها نسبت به تقی باقری، از کلیه کارگران دعوت می‌نمائیم که در مراسم بزرگداشت آن مرحوم‌که درساعت ۲/۵ بعداز ظهر روزجمعه ۲۸/۱۰/۵۸ درصحن مطهرحضرت عبدالعظیم برگزار خواهد شد ، حاضر شوند.»

**از طرف گروهی از سندیکاها و اتحادیه‌های**

# چرا دروغ؟ چرا تهمت؟

## چرا وارونه‌سازی واقعیتها؟

### روزنامه «کار» از ادامه این روش ناشایست چه طرفی می‌بندد؟

**روزنامه «کار»، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق، در دوشماره ۳۹ و ۴۰ خود، متاسفانه باردیگر مقابله اندیشه‌ای‌را باتهمت‌زنی و حملات شخصی دروغ‌پردازانه عوضی گرفته و باقدام ناشایستی دست‌زده است: ازیکطرف درشماره ۳۹ (۵ دیماه) نوشته است:**

**«روزی نیست که روزنامه مردم با تیترهای درشت از اوضاع انفجارآمیز گرگان ودشت چیزی ننویسد وپرده از فعالیتهای «ضدانقلاب» برندارد»، وازخود می‌پرسد:**

**«بازچه شده است که فغان توده‌ای‌ها را این چنین به‌آسمان برده است؟»**

**ازطرف دیگر، در یك شماره بعد (شماره ۴۰) همین روزنامه، بدون آنکه خودرا به‌تناقض‌گوئی‌هایش آشنا نشان دهد، تاکید میکند:**

**«زمین‌داران ترکمن‌صحرا مانندگذشته دست به‌دسیسه‌چینی، جنگ‌افروزی و کشتار روستائیان می‌زنند. اخیرا تحریکات این عناصر منفور شدت گرفته است.»**

آیا این مطالب‌را هیئت تحریریه روزنامه ارگان سازمان نوشته، یا بارهم گرایشها وخط‌های‌مختلف هریك نظری‌ابرازمیدارند؟ اگر برای نویسنده مقاله «کار» جنگ‌افروزی وکشتار روستائیان «اخیراً» شدت گرفته است. هشدار روزنامه‌مردم بموقع‌ودرجریان حادثه کشتار روستای توزالی انجام شد. (کشته‌شدن یك جوان و مجروح شدن چندتن دیگر وتهدید ساکنان بیدفاع آن روستا به کشتار جمعی وتخریب خانه‌ها) یعنی هشدار درجریان فاجعه‌ای که زمیندار بزرگی به‌نام «صفرحاجی» به‌دهقانان ترکمن‌تحمیل کرده بود وهنوز ادامه دارد، اعلام‌شد. چگونه است که هشداربجاوبموقع «مردم» وسیله تحریك وتخطئه است وهمان مضمون اگر یك‌ماه بعد وبیموقع در«کار» تکرار شود، شایسته است وبجا!!

قضیه از این قرار است که نویسنده مقاله «کار»، ضمن تخطئه هشدار بموقع‌ما، وتحریف‌آن، خواسته است «ثابت‌کند» که حزب توده ایران از زمینداران بزرگ، که‌گویا بعضی ازآنها هم «عضوفعال» حزب‌توده ایران هستند، حمایت میکند(۱) واین‌هشدار برای‌آن بوده است‌که آنها ازتعرض مصون بمانند!

دراین رابطه قبل‌ازهرچیز، به آن‌عده از نویسندگان با حسن‌نیت «کار» توصیه‌میکنیم‌که نامه سرگشاده‌کمیته مرکزی‌حزب تودهٔ ایران رابه شورای انقلاب (مندرج در شماره ۱۳۴ مردم) بخوانند تایك باردیگربا موضع صریح، قاطع ورسمی ما درباره مصادره املاك‌کلیه بزرگ‌مالکان، بدون استثناء، وقطع‌ریشه نظام بزرگ‌مالکی ودر دفاع ازحق دهقانان برای تصاحب زمینهای این گروه ازغاصبان، آشنا شوند وبه‌راه‌حلهای عملی ومشخصی‌که برای پیشبرد چنین پیکاری ارائه شده است، پی‌ببرند.

واما نویسنده مقاله «شورای‌کشاورزان سد وشمگیر را چه کسانی تشکیل میدهند» (کارشماره ۴۰)ضمن ارائه فهرست اسامی چندتن از زمینداران بزرگ منطقه، مدعی شده است‌که «حداقل» دو نفر ازآنها به نامهای «جعفربای» و «محمدی» از توده‌ای‌های فعال (۱) منطقه بشمار میروند.

ما نه‌برای متقاعدکردن‌این‌نویسنده مقاله «کار» ونظائراو، بلکه‌برای‌بازکردن‌چشم‌خوانندگان‌باحسن‌نیت«کار» درآن‌نویسندگان «کار»، که حسن‌نیت دارند، ودفاع ازواقعیتها، یادآوری میکنیم:

**۱** شخصی بنام آقای جعفربای، که به اعتبار لیست مندرج درروزنامه «کار» ۲۰۰۰ هکتار زمین دراراضی سد وشمگیر دارد وگویا از«اعضای‌فعال‌حزب‌توده‌است»(۱)همان«اما نلی‌حالت‌جعفربای» است‌که ازبزرگترین رهبران ضدانقلاب شناخته میشود. هموست‌که درحادثه خونین ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ گنبدکاووس-سه‌روزپیش از پیروزی انقلاب-به نفع رژیم ساقط شده شاه‌مخلوع سخت فعالیت میکرد وهم‌اکنون ازجمله فراریانی است‌که در آمریکا بسر میبرد. واساساً چنین شخصی-بنام جعفربای-عضوحزب تودهٔ ایران نیست. چه‌سودی نویسنده «کار» ازاین دروغ پردازی میبرد؟کدام سیاستی رامیتواند برپایه تهمت استوارسازد؟

**۲** از شخص دیگری بنام«محمدی» درهمین مقاله به‌عنوان «عضوفعال‌حزب‌توده ایران» نام برده شده است، که‌او نیزبزرگترین سرمایه‌دار وزمیندارگنبدکاووس است. ولی وی نیزهرگزعضوحزب توده‌ایران نبوده واکنون نیزنیست. چرا نویسنده مقاله «کار» به چنین دروغ بی‌پایه‌ای متوسل میشود وآیا واقعاً اینقدر بی‌مایه‌شده وبه‌بن‌بست رسیده، که جزتهمت وافترا هیچ وسیله‌ای برای بیان سیاست ضدتوده‌ای خود ندارد؟

**۳** به‌این مناسبت تذکر این‌نکته نیزضروراست‌که‌نویسنده مقاله «کار» ونظائراو، که ظاهراً به‌ضد بزرگ‌مالکان تبلیغ میکنند ومارا به‌طرفداری ازآنها متهم‌میسازند، درآن جاهایی‌که‌درتصرف اراضی این مالکان دخالت داشته‌اند، قطعات وسیعی از زمینهای همین‌آقای‌محمدی‌را -ازجمله‌قطعات پنبه‌کاری در «شاه‌تپه»- را به او «بخشیده‌اند»(۱) ویامثلا ۵۰۰ هکتار از اراضی شخصی بنام «ولی‌اله پارسا» را-که درفهرست خود نام‌برده‌اند-ازشمول«تصرف وتقسیم» معاف داشته‌اند! بهتراست نویسنده مقاله «کار» ونظائراو باین «اغماض» وعلت‌آن توجه‌کنند وکمتردروغ‌پردازی نمایند.

**۴** شورایی بنام «شورای‌کشاورزی سدوشمگیر»، که‌درباره تشکیل‌دهندگان آن، ازجمله «اعضای فعال‌حزب توده ایران»قلم فرسائی‌شده، هرگزتشکیل نشده است. خبرنگار «کار»، که‌بقصدتهیه یك‌خبر داغ‌وپرسروصدا وتحریك‌آمیزبسبك‌مطبوعات معلوم‌الحال ضدکمونیستی غربی، برای‌چاپ یك‌کلیشه بامهر وامضاء شتاب‌داشته است، دعوت‌نامه تشکیل چنین‌شورایی را، که‌هرگز تشکیل نشده، به‌جای‌یك سنددرسمی به‌خورد خوانندگان خود داده است!

**۵** برای آنکه معلوم‌شود موضع رهبران محلی «سازمان چریکهای فدایی خلق» درقبال همین مالکان‌بزرگ وسرمایه‌داران ازچه‌قرار است، بدنیست اعضای‌کادر رهبری این‌سازمان، که‌پنهان داشتن هویت خودرا «رمزپیروزی» خودمیدانند، خویشتن‌رامعرفی کنند، تاهرگونه ابهام دررابطه آنان ازنظر خویشاوندی و «علاقه ملکی» وپیوند مسلکی‌ونحوه عمل‌باسازشکاران ودشمنان خلق‌زدوده شود. فعلااین «مشت» رابه‌عنوان «نمونه خروار» (یانمونه‌ای از وارونه‌سازی واقعیتها) داشته باشیم تابعد«بسخنشده تسوماج»، کاندیدای «چریکهای فدائی خلق» برای مجلس خبرگان‌ازگنبد کاووس، کسی جزخواهرزاده همان «جعفربای» زمیندار بزرگی نیست که‌بصورتی تحریك‌آمیز اورا «عضوفعال حزب تودهٔ ایران»قلمداد کرده‌اند! توخود حدیث‌مفصل بخوان ازاین مجمل!

**۶** در پایان، برای آنکه در سطح‌کشوری هرگونه شك و تردید وابهام ازبین برود وجلوی هرگونه دروغ پراکنی وافترای احتمالی گرفته‌شود، پیشنهاد میکنیم که‌کلیه‌رهبران‌سازمان‌چریکهای فدائی خلق وکلیه رهبران حزب‌توده‌ایران، فهرست تمامی دارائی خود وخانواده خودرا، اعم ازاملاك ومستغلات، کارخانه، کارگاه و تعمیرگاه ومغازه وفروشگاه وهمچنین اثاثیه منقول ودارائی غیر منقول و حساب بانکی شخصی و غیره را، رسما هریك در روزنامه ارگان خود اعلان‌کنند. هرکس واقعیتی را پنهان‌کرد، مال پنهان شده بنفع خلق مصادره شود.

**خلاصه کنیم: از تهمت زدن و دروغ بی‌پایه که‌کاری پیش نمی‌رود. حداکثر چندروزی میتوان چندنفری را فریفت ویا در افکار آنان پرپیشانی و سردرگمی ایجاد کرد. ولی البته سیاستی را نمیتوان شالوده ریزی کرد. کفگیر سیاست ضدتوده‌ای باید خیلی به‌ته‌دیگ‌خورده باشد که برخی‌ها به چنین شیوه‌هائی متوسل میشوند. پیشنهادما اساس مطلب را در عالیترین سطح وبه بهترین‌وجه در معرض قضاوت همگان قرار خواهد داد. این‌گوی واین میدان! قبول کنید تامعلوم شود که ریگی بکفش ندارید!**

---

ساواکی بودن پیشینه جرم و خیانت است
یاتوده‌ای بودن؟

# ادارات را پاکسازی کنید

**درایران‌امروز آیاکسی هست‌که انتساب به‌عضویت‌حزب توده‌ایران را جرم وسابقه‌کیفری محسوب دارد؟**
**شاید ازاین سئوال تعجب‌کنید وبگوئید جزساواکی‌ها و سرسپردگان شاه‌مخلوع وشایدهم برخی چپ‌نماهای‌توطئه‌گر وآتشین‌مزاج، کسی‌چنین‌حرفی‌راامروز، یکسال‌بعدازسرنگونی رژیم سلطنتی، نمیتواند بزند.**
**اما چنین نیست. دردستگاه دولتی‌هم هنوز هستند افراد صاحب‌مسئولیت ومقام، که‌چنین عقیده‌ای دارند ودراین‌باره سند ومدرك‌هم صادر میفرمایند.**

بیهوده نیست‌که پس از پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی، حزب توده‌ایران‌کراراً ضرورت پاکسازی دراداراتا‌را خاطرنشان‌کرده است. امامتأسفانه هنوزکارمندان سرسپرده رژیم طاغوتی دررأس بعضی ازادارات قرارگرفته‌اند واعمالی انجام میدهند که‌گوئی از انقلاب و آثارآن دربی‌خبری‌مطلق قراردارند. این‌افراد مصوبات دولت جمهوری اسلامی وشورای‌انقلاب اسلامی را قبول ندارند وبآن عمل‌نمی‌کنند.

همه میدانند که‌کلیه محکومیت‌های سیاسی دوران۳۷ساله رژیم منفورگذشته. تحت‌هرعنوان که‌باشد، لغوگردیده است و بدین‌ترتیب کلیه محکومیت‌های اعضای حزب توده ایران، که توسط عمال رژیم منفور پهلوی صادر شده بود، ملغی اعلام‌گردید. حزب توده ایران بطورعلنی فعالیت میکند وروزنامه ارگانش دارای‌امتیاز رسمی است ومقوله «منحله» باهمان رژیم منحله پهلوی درمورد حزب ما، بگور رفت. افسران توده‌ای، که‌بوسیله رژیم‌سابق تیرباران شدند، «شهید» محسوب گردیدند.

باوجود این، سروان دکتر کیوان، رئیس دایره تشخیص هویت اصفهان، طی نامه شماره ۹۹۵۲-۱۳۵۸/۸/۷ اعلام‌داشته است‌که‌آقای خداداد گلابی دارای پیشینه کیفری است، زیرا وی‌باتهام انتساب «بحزب منحله توده»، باستناد ماده ۵بازداشت وبرابرنامه شماره ۲/۲۴۵۷ بخرم‌آباد اعزام‌گردیده است!

این‌کارمندجمهوری اسلامی تاکنون‌نفهمیده است‌که دیگرکارمند رژیم سلطنتی منحله نیست، نمیداندکه استعمال اصطلاح واژه منحله‌درمورد حزب توده‌ایران ازابداعات رژیم ضدمردمی محمدرضاپهلوی بوده‌است وبکاربردن آن‌درحال حاضرکه این‌حزب فعالیت علنی دارد، نابجا است، گذشته ازاینکه هیچگاه حزب‌توده ایران قانوناًمنحل نگردیده‌است. وی‌همچنین‌نمی‌فهمد که بازداشت باحبس بعلت محکومیت فرق دارد وتاشخص قانوناً محکوم نگردد، ولوآنکه مدت بازداشت دراز باشد، فاقد پیشینه‌کیفری‌محسوب میشود، و بالاخره صرف‌اسناد اتهام عضویت در حزب توده ایران دلیل وجود سابقه مجرمیت نیست. دلیلی که‌ساواك درزمان حیات خود با استنادبآن (بدون اعلام‌آن) فرزندان‌این‌کشور را ازداشتن شغل محروم میکرد.

آیا نباید گفت‌که ساواکی‌ها یاکسانی‌که چون ساواکی فکروعمل میکنند، همچنان در بعضی ادارات مصدرامور هستند؟ آیانبایدباین نتیجه رسید، اینان‌که مانندگذشته‌فکرمیکنند، آرزوی اعاده گذشته را دارند، باید سریعاً پاکسازی وطردشوند؟

(کلیشه‌سند مربوطه‌را عیناً چاپ میکنیم)

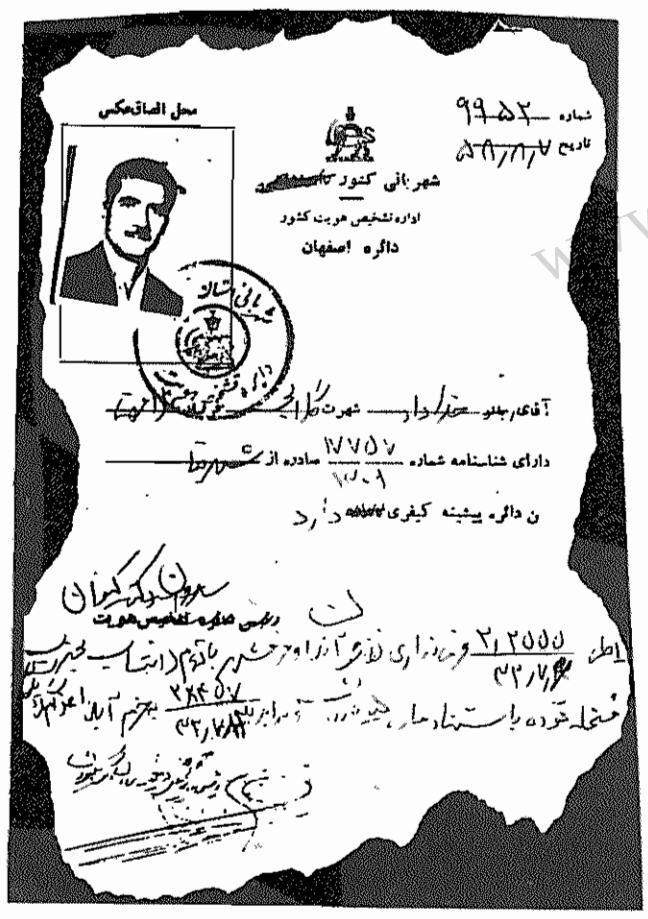
محل الصاق عکس
شماره ۹۹۵۲
تاریخ ۵۸/۸/۷
شهربانی کشور
اداره تشخیص هویت کشور
دائره اصفهان
آقای رجب ... شهرت ...
دارای شناسنامه شماره ۱۷۷۵۷ صادره از ...
ن دائره پیشینه کیفری دارد
رئیس اداره تشخیص هویت
سروان دکتر کیوان

---

## اخبار کارگری

# در کوره‌پزخانه‌های اردبیل چه می‌گذرد؟

شهرستان اردبیل پانزده کوره‌پزخانه دارد. در این کوره‌پزخانه‌ها کار بصورت کنتراتی انجام می‌شود. کارگران کوره‌پزخانه‌ها نه درمحل کارخود ونه درسطح شهرستان، هیچ نماینده‌ای ندارند و کارفرما هرلحظه‌ای‌که اراده کند شخصاً درمورد اخراج کارگران تصمیم می‌گیرد. کارگران از ابتدائی‌ترین حقوق خود محرومند از حق مسکن، حق اولاد، بیمه و درمان و سندیکا و شورا خبری نیست. کارفرمایان بابیمه شدن‌کارگران مخالفت می‌کنند. سطح دستمزد بسیار پائین است، بطوریکه کارگران با روزانه نزدیك به یازده ساعت کار شاق وبی‌وقفه، حداکثر حدود ۳۰۰۰ تومان دستمزد می‌گیرند. کارگران آجرچین به‌ازای هر هزار آجری که بمنظور پخت به‌کوره حمل میکنند و در آنجا می‌چینند. تا اوائل سال جاری، فقط پانزده تومان دستمزد می‌گرفتند. در حال حاضر با تلاش کارگران این مقدار به بیست تومان افزایش یافته است. کارگران خشت‌کار به ازای هر هزار خشت که تولیدمی‌کنند، ۸۰۰ ریال می‌گیرند.

سطح نازل دستمزد درکوره‌پزخانه‌ها کارگران رابه اعتراض همه‌جانبه واداشت. از جمله تابستان گذشته بدنبال شکایت کارگران به‌سپاه پاسداران، این سپاه حتی پیشنهاد کرده بودکه روزانه معادل ۱۲۰۰ تومان به یکی از صاحبان کوره‌پزخانه‌ها بپردازد و در عوض اداره کوره‌پزخانه به سپاه واگذار شود، ولی کارفرما ازپذیرفتن این امر خودداری کرد. سپاه پاسداران طی یك اعلامیه افشاگری این مساله را به اطلاع مردم اردبیل‌رساند.

صاحبان کوره‌پزخانه‌ها ادعا می‌کنند که ضرر می‌کنند و در عین حال حاضر نیستند از این «ضرر» خود چشم‌پوشی نمایند. کارگران معتقدند که وجود چنین شرایطی در واحدهای تولیدی، آن‌هم پس از انقلاب بزرگ مردم ما برعلیه غارتگران خارجی و داخلی، لکه‌ننگی‌است که وزارت کار باید با پیگیری در اجرای قوانین مترقی بسود مستضعفین، آن را از دامن‌جامعه پاك کند.

# وضع اسفبار کارگران کتابفروشی

کارگران کارگاه‌های کوچك و مغازه‌ها در شمار محروم‌ترین قشر کارگران محسوب می‌شوند، زیرا حداقل حقوق کاری که در قانون کار سال ۳۷ منعکس است، این دسته عظیم کارگران را دربر نمی‌گیرد. در این میان باید از کارگران کتابفروش یادکرد.

ظاهرا کارگران کتابفروش در مقایسه با دیگران، از جمله کارگران نانوایی، که از بام تا شام کار می‌کنند، وضع بهتری دارند، ولی با اندك توجه به موقعیت این صنف، شرایط دشوار کار و زندگی‌شان آشکار می‌شود.

ساعت کار اغلب کارگران کتابفروش از ۹ صبح الی ۸ بعدازظهر، آن هم بدون دریافت اضافه کار است. برای تعیین حداقل دستمزد و میزان افزایش آن براساس سنوات خدمت، هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد. افزایش مابه‌التفاوت حداقل دستمزد، مصوب‌فروردین ۱۳۵۸، نیز برای این‌کارگران اجرا نشده. تعدادی از این کارگران بصورت پورسانتاژ - تعیین مزد متناسب با درصدی از فروش روزانه - کار می‌کنند. بدیهی‌است که باتوجه به‌بیکاری موجود و ابعاد گسترده آن، این‌کارگران با دریافت حقوق ناچیزی حاضر به‌کار می‌شوند.

گذشته از این، اکثر کارگران کتابفروش زیر پوشش بیمه‌های درمانی قرار ندارند و مزایایی از قبیل حق مسکن، حق اولاد و غیره اصلا مطرح نیست. مرخصی استحقاقی کارگران‌نیز تابع هیچ ضابطه مشخصی نیست.

خطر اخراج برای این کارگران دردناکترین کابوسی است که یك دم آنان را رها نمی‌کند. کارفرما مطلقاً به‌اراده خود می‌تواند کارگر را اخراج کند و هیچ قانونی او را مشروط و محدود نمی‌کند. ناگفته نماندکه حتی مواردموجود درماده‌کذایی۳۳ مبنی بربازخرید کارگر و اعلام تصمیم اخراج به‌کارگر پانزده روزپیش از اخراج هم رعایت نمی‌شود.

کارگران انبارهای کتاب، که کارهای طاقت فرسائی از قبیل حمل ونقل وبسته بندی کتاب را انجام میدهند، درشرایط بمراتب اسفناك‌تری کار می‌کنند.

قانون کاری که ثمره انقلاب بزرگ مردم ایران خواهد بود، باید درمحتوی خلقی و مضمون انقلابی خود تامین حقوق این کارگران ونیز فروشندگان جزء شهر وروستارا با صراحت بیان دارد و در تضمین آن وسایل لازم راپیش‌بینی کند. تنها در چنین حالتی است که می‌توان امیدوار بود صحنه‌هایی نظیر شرایط‌کار وزندگی کارگران مذکور در آینده تکرار نشود.

---

**بااتکاء به‌پیام تاریخی امام‌خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، باتأمین حقوق ملی خلق‌کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم**

www.iran-archive.com

# به ارانی

ای آسمان بیکران
ای افتخار عاشقان
درخت سبز جنگل مبارزان
زلال فکر تو
رهی بود برای ما
سرود فتح ضدخصم ما
و گام گام رزم تو
ستاره‌ایست برفراز ما
که رهگشا بود
ز راههای شب بسوی صبح نیلگون
طلوع نو برای ما
و هر کلام تو
چو نغمه‌ای ز زندگی
نگاه تازه‌ای بسوی زندگی
به سینه‌های رهروان
رهائی دیگر برایشان
برای ما

ژاله

# به ما میگویند:
# ـ آیا اشتباه نمیکنید؟
# ـ آیا نگران نیستید؟
## ـ آیا درست حسابش را کرده‌اید؟

**افرادی، برخی از راه دلسوزی صادقانه و محبت‌آمیز، برخی بعلت جهالت وعامیگری‌سیاسی وبعضی دیگر به‌انگیزه‌های موذیانه بما میگویند:**

**«آیا شما فکرنمیکنیدکه در حمایت‌گری از مشی امام‌خمینی خیلی جلو رفته‌اید؟ آیا شما فکر نمیکنید که اگر «ورق برگردد» شما باین سبب بار دیگر دچار خسارات و زیانهای سیاسی و جانی خواهید شد؟ آیا شما فکر نمیکنید که خود یاران امام، اگر براوضاع ومخالفان خود به‌پیروزی‌نهایی دست یابند و خودرا از فشار مخالفان خلاص کنند، باشما معامله بدی خواهند کرد؟ آیا بهتر نیست که محتاط‌تر باشید و طوری عمل کنید که جریانهای دیگرسیاسی موجود در کشورما، هیچکدام از شما کاملا مأیوس نشوند وسرنوشت شما باسرنوشت تنها یك جریان (مشی امام)گره نخورد؟»**

در این زمینه سخنان مفصل ومکرری گفته میشود. همه این سخنان ازاین مقدمه‌وزمینه‌فکری ناشی میشودکه،گویا سیاست یك حزب باید سیاستی باشدکه بدون مبارزه به‌پیروزی،حتی به‌پیروزی نزدیك بیانجامد. بعبارت‌دیگر، سیاست حزب یعنی سیاستی‌که سودآور باشد.

مسامحه‌ملاك **سود آوری و پیروزی نزدیك** رابرای سیاست یك حزب، ملاك سوداگرانه و بازاری وغیر انقلابی میدانیم و بدان **ابداً واصلا و بهیچوجه** معتقد نیستیم.

تمام‌کسانی که دراین زمینه سوءتفاهمی‌دارند، ازاین‌سوءتفاهم خارج شوند.

ملاك سیاست حزب‌ما **ملاك اصولیت** است، بدین‌معنی‌که در **مرحله کنونی تکامل تاریخ** کشورما، کدام سیاست در **منفعت خلق‌ایران** است. اعم ازاینکه این سیاست‌به‌پیروزی‌آسانی‌برسد یابرای نیل به‌پیروزی هنوز راه بسیار دشواری را در پیش داشته باشد وهنوز باید مبارزات سخت وطولانی انجام‌گیرد.

وقتی‌ما تشخیص دادیم‌که سیاست پشتیبانی از مشی ضدامپریالیستی وخلقی **امام‌خمینی** بین‌انواع مشی‌های راست و چپ دیگر، که اکنون درایران مطرح است، خلقی‌ترین سیاست است، در آنصورت با **قاطعیت** دراین راه، بی‌پروا ازعواقب شخصی یا جمعی‌آن، گام میگذاریم. معنای انقلابی بودن، معنای مبارزه انقلابی کردن جز این نیست. مبارزه انقلابی سوداگری نیست.

مضحك اینجاست‌که به مشی سیاسی حزب توده ایران درست از دونقطه متقابل و متضاد حمله میشود. کسانی میگویند، حزب توده ایران از ازل فرصت‌طلب و دنباله‌رو و فاقدجسارت انقلابی بوده و لذا روش دنباله‌روی‌امام راگرفته است تا ازفرصت‌استفاده کند! وکسانی‌هم ما را میترسانند که‌درجاده خطرناك و بی‌سرانجام و لغزان و موقتی‌گام گذاشته‌ایم و فرداست که یا شمشیر برای امپریالیسم آمریکا و یا دشنه زهرآگین«فالانژیسم‌آخوندی»کار ما را خواهد ساخت! بالاخره نفهمیدیم، فرصت‌طلبیم‌یا حادثه ـ جو؟! البته نه‌این و نه آن، بلکه حزبی که مسئولیت تاریخی خود را تشخیص میدهد و براساس تحلیل علمی خود عمل میکند و با پیشداوری وارد صحنه نمیشود. نه‌با این‌پیشداوری‌که دنباله‌روی وفرصت‌طلبی کند تا خود را از حوادث بیمه نماید ونه با این پیشداوری‌که‌سیاست‌محتاط‌ومبهم‌و نامعینی را درپیش‌گیرد و موافق توصیه عرفی شیرازی عمل‌کندکه گفت:«چنان با نیك وبدخوکن‌که بعدازمردنت، عرفی‌مسلمانت به زمزم‌شوید وهندوبسوزاند.»

تحلیل‌ما ازجریان ساده است. صرفنظر از ضد انقلاب، که مشی ضدانقلابی خودرادر لباسها واشکال گوناگون‌دنبال میکند، درایران‌چهارجریان‌عمده وجود دارد:

**۱ـ مشی‌بورژوازی‌لیبرال،** که‌خواستارادامه‌راه‌رشدسرمایه‌داری، همکاری باغرب و عمیقاً ضدکمونیستی است.

**۲ـ مشی‌دمکراسی‌انقلابی** (قشرهای متوسط جامعه‌درشهر و ده، به‌رهبری **امام خمینی**) که خواستارمحدودکردن‌سرمایه‌داری ومبارزه‌باامپریالیسم است.درعین حال دربین هواداران این مشی گرایشهای ضدکمونیستی‌نیزوجود دارد.

**۳ـ مشی‌چپ افراطی** که‌میتواند صادقانه هم‌باشد ندانسته، ومشی‌خالی از صداقت چپ‌نمائی، که دانسته‌انقلاب‌ایران راتضعیف‌میکند.

**۴) مشی‌حزب‌توده‌ایران،** که‌دردوره تاریخی‌کنونی،درزمینه مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی، بامشی **امام‌خمینی** انطباق‌دارد. پشتیبانی حزب توده ایران از **مشی امام خمینی** براین اساس است، اعم از آنکه عواقب آن چه‌باشد.

به‌همه سیاست‌بازانی‌که‌تصور می‌کنند میتوانندحزب‌توده‌ایران را با«نصایح» خود گمراه کنند، میگوئیم:

**حزب در گزینش راه خویش سنجیده عمل کرده و عواقب نیك‌وبد راکاملادرنظر گرفته‌است ونیازی‌به«نصایح» آقایان ندارد.**

به همه دوستان دلسوز، ولی محتاط‌که میترسند مبادا حزب‌در «قمار» خونینی شرکت‌کرده‌باشد، میگوئیم:

**شماکه مردمیدان مبارزه نیستید، از ما فاصله بگیرید، مبادا زیانی متوجه شماشود.**

به‌تمام انقلابیون اصیل و پاکباز، که‌وقتی‌به‌صحت‌راهی‌معتقد شدند، ازعواقب آن‌باکی‌ندارند، میگوئیم:

**به‌آغوش حزب توده ایران بیائید، که‌اینجا جای شماست.**

# کاخ بیداد را ویران کنیم
# خانهٔ حزب را آباد کنیم

**رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!**

ما میخواهیم همراه شما وبه‌کمك شما جشن چهلمین‌سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران را درخانهٔ حزب برگزارکنیم. برای خریدن وباساختن خانهٔ حزب به‌کمك مالی شما نیازمندیم. باکمك خود دراین جنبش همبستگی وخلقی شرکت‌کنید.

کمك مالی خودرا به‌نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانك تهران، شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

**توجه:۱) پرداخت پول، باذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانك‌تهران ممکن است. ۲) ازکمك‌کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس‌دبیرخانه‌کمیته مرکزی: تهران، خیابان۱۶آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.**

**بادرود بیکران به رفقای کمیته مرکزی و همهٔ دست‌اندرکاران ساختمان خانهٔ حزب**

ما، دانشجویان دمکرات، که دررشته‌معماری‌دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران مشغول تحصیل می‌باشیم، ضمن دادن پاسخ مثبت به فراخوان بزرك حزب‌توده ایران، اعلام میکنیم: باتمام امکانات خود آماده‌ایم تابه‌سهم خوددر راه تحقق‌این آرمان همه زحمتکشان ایران، یعنی‌ساختمان خانهٔ حزب فعالانه شرکت‌کنیم. وهمگی براین امر معتقدیم که این یکی ازگرانبهاترین فرصت‌هایی است‌که باپشتوانه عظیم خود، یعنی انقلاب بزرك ملی ودموکراتیك مردم ایران پیش روی ماقرارگرفته است.

دراین رابطه توضیح این نکات ضروری است:

۱ـ امکانات ما در زمینه‌های طراحی، نقشه‌کشی‌و نظارت است.

۲ـ سعی میشود طی‌یك برنامه‌ریزی منظم (بین رفقای دانشجو) ترتیبی اتخاذ شودکه در همهٔ روزهای هفته (حداقل نیم‌وقت) تعدادی ازرفقا وقت خود را دراختیار ساختمان خانه حزب قراردهند.

به‌امید برپانمودن‌هرچه باشکوهترجشن چهلمین‌سال فعالیت حزب درخانه حزب توده ایران.

**دانشجویان دمکرات دانشکده هنرهای زیبا، رشته معماری**

# پاسخی به یکی از پاسخهای آقای جلال‌الدین فارسی
## خطاست آزموده‌ها رابازهم آزمودن

**یکی از کاندیداهای مقام ریاست جمهوری، آقای جلال‌الدین فارسی است، که نسبت به بسیاری از کاندیدا های دیگر یك امتیاز دارد وآن اینکه، تنها خودش شناسنامه و عکس برنداشته وبه وزارت کشور برای ثبت نام نرفته است، بلکه از جانب یك حزب سیاسی نامزد شده است. این امتیاز قاعدتا میبایست حس مسئولیت بیشتری رادر نامزد مربوطه ایجادکند، درحالیکه، هنوز دری به تخته نخورده، حس قدرت نمائی وانحصار طلبی خطرناکی را در وی بوجود آورده است.**

آقای کاندیدا، که قبلابرنامه خود را «اداره کردن‌انقلاب» اعلام کرده بود، درمصاحبه‌ای‌باروزنامه کیهان ـ که در جراید دیگر هم انعکاس یافت ـ سخنانی گفت‌که معلوم نیست واقعا نظریات حزب جمهوری اسلامی است‌که وی را نامزد کرده، یاایشان شخصا سست رایحه قدرتی شده‌اند که چندان هم معلوم نیست در دسترس‌شان باشد.

مقصودما اظهارنظری است که آقای فارسی درباره حدودآزادی وشرایط فعالیت آزاد گروههای چپ کرده‌اند. بااین اظهار نظر، ایشان ساف وساده پا در جای پای اینهمه سازمان و محفل و دستگاه وافرادی گذاشته‌اند که علت وجودی خودرا مبارزه با «چپ‌ها» و محدود کردن فعالیت آنها وسرکوب آنها قرار داده بودند.

تاریخ کشور خودما و همه جهان نشان می‌دهد که چنین کوششهائی به گودال استبداد و خشونت وبه منجلات همکاری با محافل مرتجع وامپریالیستی‌منجر میشود. آنهائی که دراین راه‌گام میگذارند، بمقصود خود نرسیده ونخواهند رسید، زیرا سرکوب نیروهای چپ، هدفی ضد ملی و ضد مردمی است وبا پیشرفت تاریخ ناسازگار، وبنابراین بدون آینده است.

هنوز یکسال هم از پیروزی انقلاب نمیگذرد و البته یاد خون سرخ اینهمه شهید متعلق به نیروهای چپ و خاطره اینهمه سالهای پرشمارزندان کشیدنهای مبارزان چپ به اعلی درجه در اذهان زنده است. شاید بهمین علت آقای فارسی لطف کرده و میگوید: «البته تحت شرایطی فضای دموکراتیك را برای آنها (چپ‌ها) بازخواهیم گذاشت.»

ولی اصل مطلب تنها این «شرایط» و سعه صدر یا گشاده دستی آقای‌کاندیدا دربازگذاشتن فضا نیست، بلکه این واقعیت‌مهم است که ایشان هنوز کاره‌ای نشده، دارد یکی ازاصول مهم قانون اساسی را، که رئیس جمهور باید حافظ آن باشد، لگدمال‌میکند وآشکاراصل‌آزادی احزاب و جمعیت‌ها و سازمانها و انجمنها را، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب احترام به‌آن، پیش‌بینی شده نقض میکند.

**□ نیروهای اصیل چپ، حامی، شریك ومدافع انقلاب‌اند. فعالیت‌درفضای‌دمکراتیك حق مسلم آنها و دستاورد خلق انقلابی‌ماست**

بروی کدام احزاب وگروهها فضای دمکراتیك بازنخواهدبود؟ بروی وابستگان به ضدانقلاب؟ بروی جیره خواران سابق‌ساواك؟ بروی لیبرالهای سازشکار که اسب تروآی امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری وابسته هستند؟ بروی قشریون راست گرا و انحصار طلب، که با سیاست ارتجاعی خود راه را بر حمله دشمن بخلق هموار میکنند؟. نه! فقط چپ‌ها مشمول اظهارنظرآقای فارسی قرار گرفته‌اند، چپ‌ها که نیروی اصیل‌آن پیگیرترین‌حامی انقلاب ایران بوده وهستند، که سرسختانه بیش ازربع قرن علیه سلطه امپریالیسم آمریکاوسلطنت محمدرضاشاهی وساواك اورزمیده واینهمه قربانی وزندانی داده‌اند، که بااینهمه شعور ودرایت‌محتوی ضدامپریالیستی وخلقی **خط امام** راتشخیص داده وبه میان مردم برده‌اند. نکند آنها بهمین خاطر مورد «بی‌مهری» قرارگرفته‌اند و وجود وفعالیتشان توسط‌کاندیدای ریاست جمهوری ـ برخلاف نص و روح قانون اساسی ـ «مزاحم» تشخیص داده شده است ؟!

رئیس جمهور آینده ایران‌باید نگهبان قانون اساسی باشد و تخلف از آن‌را اجازه ندهد. ولی چه میتوان گفت‌درباره کاندیدائی که مسئولیت اولیه و اصلی را حس نکرده و شمشیرکشان بر گروههای چپ حمله میبرد و باز گذاشتن فضای‌دمکراتیك را برای آنها ـ و فقط برای آنها مشروط میسازد؟

بگذریم از «شرط» مسخرهٔ بیانیه استغفار و توبه نامه درمورد «وابستگی به‌خارجی»، که‌متاسفانه باید بیاد آوردکه ۲۵ سال همین مطلب، حربه و تهمت ساواك‌شاه مخلوع و دستگاه اختناقی و تبلیغاتی او بود. باید بیاد آورد که فعالیت، نبرد، فداکاری وایثار اینهمه زحمتکش ایرانی معتقد و متعهد و مبارز از آن دیدگاه «وابستگی بقدرت خارجی» تعبیر میشد و تنها فضای بسته‌شکنجه‌گاه برویشان گشوده میشد.باید بیاد آورد که برای آن دستگاه نیز نوشتن یك تنفرنامه و یك سخنرانی تلویزیونی و استغفارنامه در «تقبیح قدرت‌خارجی» و یا «افشای انحراف» کافی بود تا «گناهکار»مشمول«عفو شاهنشاهی» قرار گیرد و فضای بسیار باز «دمکراتیك»(!) در مقابلش، باتمام آلاف و الوف‌مربوطه گشوده گردد. ولی چپ‌های راستین بسخرانی‌ها و تقبیح‌ها و انتشار بیانیه‌ها و نفرت‌نامه‌نویسیها درزمان‌ساواك هم تن در ندادند و سالهای تبعید و زندان، شکنجه وچه بسا مرك را بجان‌خریدند. آن رژیم‌سلطنتی دست‌نشانده‌میبایست‌که چنان‌کند، زیرا که با ماهیتش مطابق بود و از سرشتش برمی‌خاست. ولی کاندیدای ریاست‌جمهوری‌اسلامی ایران چرا؟ کاندیدای معرفی‌شده از جانب حزب جمهوری اسلامی چرا؟ چپ‌راستین، همانطور که قاطعانه‌علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و زمینداری بزرك می‌رزمد، همانطور که قاطعانه از مشی ضدامپریالیستی و خلقی‌**امام خمینی** مدافعه میکند و پی‌گیرانه در همه صحنه‌های نبرد خلق به‌پا خاسته ما مشارکت دارد، همانطور هم قاطعانه از مبانی عقیدتی و مسلکی خویش مدافعه میکند و هیچ تهمت و افترائی ـ که‌بازهم میگوئیم سی‌سال است‌مشابه آنرا و «شرایط» آنرا از دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی و سلطنتی شنیده‌ایم ـ او را از مبارزه‌ای‌که بخاطر خلق، بخاطر طبقه، بخاطر میهن، بخاطر استقلال و آزادی و بخاطر همه بشریت آزاده انجام میدهد، باز نخواهد داشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چارچوب این‌مبارزه را معین‌کرده **و هیچ کاندیدائی حق ندارد که آنرامخدوش‌کند** و آزادی‌مشروط و موهنی را عنوان کند و وجود فضای دمکراتیك را وابسته به توبه‌نامه و استغفار و شیوه‌های آنچنانی نماید، آنهم در مورد نیروها و سازمانهائی که امتحان خودرا اینهمه سال‌است‌که‌داده‌اند.

آقای فارسی هنوز به دبستان نمیرفته‌اند که نیروهای اهریمنی بسیاری میکوشیدند با تهدیدها و نقشه‌های مشابهی این سازمانها را سرکوب کنند و یا با چنان وعده و وعیدهای مشروطی‌آنها را فریفته و مجذوب کنند. لااقل شرط عقل نیست آنچه‌را که با این بهای سنگین تاکنون‌آزموده شده، باز هم آزمود. بایدشهامت داشت و واقعیات را دید. نیروهای اصیل چپ فضای‌دمکراتیك را گدائی نکرده و نمیکنند، برای آن رزمیده و شهید و زندانی داده‌اند. این عطیه نیست که با «تفکیك» و «شرایطی» از جانب آقای کاندیدای رئیس جمهوری مرحمتا داده‌شود. این **حق مسلمی** است که خلق انقلابی ما بدست آورده است.

درواقع چنین سخنان و ابراز عقیده‌ای نه‌فقط سنجیده‌و شایسته نیست و برای کاندیدای یك‌حزب مسئول سئوال‌انگیز است، بلکه خودنشانی‌از رسوخ‌افکار و روش‌هائی است که بکلی با مبانی انقلاب ما و حکومت جمهوری اسلامی ایران مغایر است. چنین افکار و روشهائی مهر و نشان از تاثیر «قدرتهای خارجی» معینی بر خود دارد؛ قدرتهائی خارج از انقلاب ما، مخالف با انقلاب ما و خلق انقلابی ما.

تنها «قدرتهای خارجی» معینی ذینفع هستند که چنین برداشتی از نیروهای‌چپ، از قانون‌اساسی، از آزادی، از فضای‌دمکراتیك، از انحصارطلبی و قدرت‌نمائی بعمل آید. تنها آنها هستند که ازچنین برداشتی شاد میشوندو آنرا دامن میزنند. در دام آنها نباید افتاد. «شیطان بزرك» در همه جای‌جهان چنین دامهائی گسترده است. به خصوص کاندیدائی که از جانب یك حزب سیاسی مسئول معرفی میشود، باید مواظب هر گام و هر پای خود و جای پاهای موجودباشد و در دام نیفتد.

# توضیحی در مورد حزب جمهوری خلق‌مسلمان

«حزب‌جمهوری‌خلق‌مسلمان» که فعالیتهای ضدانقلابی ومخرب آن علیه رهبری‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران، اکنون اظهرمن‌الشمس شده است، همچنان بعنوان عامل اجرای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا درایران به اعمال تفرقه‌افکنانه وجنایتکارانهٔ خود ادامه میدهد. این‌حزب‌که خیلی زود به‌مأمن‌تمامی جنایتکاران، ساواکیهاووابستگان‌رژیم منفوربهلوی تبدیل‌شد، کوشید تا بابهره‌گیری از اعتقادات مذهبی توده‌های مردم آذربایجان وپنهان شدن درپشت نام یکی ازمراجع، زمینه را برای ایجاد جنگ برادرکشی فراهم سازد. ولی خوشبختانه با هشیاری توده‌های مردم وکوشش پیگیر ونیروهای انقلابی این توطئهٔ خائنانه عقیم ماند و ماهیت پلید و ضدانقلابی این‌حزب برمردم آشکارگردید.

اکنون خواست‌مردم انقلابی ایران اینست که مقامات مسئول این کانون‌فساد، توطئه و جنایت را هرچه‌سریعتر منحل سازند و توطئه‌گران‌ضدانقلابی‌را بمجازات درخورشان برسانند.

حزب تودهٔ ایران بعنوان یك‌حزب مسئول ومتعهد و مومن به‌انقلاب بزرگ مردم ایران و رهبری این انقلاب، نخستین سازمان سیاسی بودکه به‌افشای اصولی فعالیتهای توطئه‌گرانهٔ این «حزب» پرداخت وماهیت ضدانقلابی آن‌را برملانمود.

لازم است متذکر شویم‌که مؤسسین اولیه این حزب، که صادقانه به‌انقلاب ایران‌ورهبری آن معتقد بودند، همانگونه که خود اعلام داشته‌اند، بااعمال ضد انقلابی گردانندگان‌کنونی این حزب موافق نبوده وقاطعانه‌آنرا محکوم‌کرده‌اند. خوانندگان «مردم» بخوبی میدانندکه‌مؤسسین اولیهٔ این‌حزب دراواسط‌تابستان ضمن اعلام استعفای دسته‌جمعی خود وشرکت درانتخابات مجلس خبرگان، طی‌نامه‌های‌سرگشاده‌ای، که با امضای **حجت‌الاسلام سیدهادی‌خسروشاهی**، در۱۸ و۲۲ مرداد درجراید منعکس گردید، انحلال این حزب را اعلام ورابطهٔ خود را با اعمال

مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر ـ شمارهٔ ۶۸ تلفن: ۹۳۳۴۵۹ـ۹۳۵۷۲۸
چاپ: کاویان

MARDOM
No 143 — 15 January 1980

Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.